



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن  
علیه صاب

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



# برتری بانو

پژوهشی در برتری حضرت زهرا (سلام الله علیها)

بر حضرت مریم و عایشه از نگاه اهل سنت

با مقدمه آیت الله نجم الدین عینی

محمد شهبازیان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برترین بانو: پژوهشی پیرامون برتری حضرت زهرا(س) بر مریم بنت عمران و عایشه از نگاه اهل سنت

نویسنده:

محمد شهبازیان

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود ( علیه السلام )

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

فهرست	۵
برترین بانو: پژوهشی پیرامون برتری حضرت زهرا (س) بر مریم بنت عمران و عایشه از نگاه اهل سنت	۷
مشخصات کتاب	۷
اشاره	۷
فهرست مطالب	۱۷
چکیده	۱۹
مقدمه	۲۱
بخش اول: پاره ای از فضایل حضرت زهرا علیها السلام در کتب اهل سنت	۲۶
اشاره	۲۶
۱. ۱. برترین زنان در دو عالم و در عالم اسلام	۲۷
۲. ۱. برترین زنان بهشتی	۲۸
۳. ۱. محبوب ترین زن نزد رسول خدا	۲۹
۴. ۱. رضای خدا در رضای فاطمه علیها السلام	۳۱
۵. ۱. برترین انسانها بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم	۳۵
۶. ۱. هم مکان با رسول خدا در قیامت	۳۵
۷. ۱. اولین وارد شونده به بهشت	۳۷
۸. ۱. شبیه ترین مردم به رسول خدا	۳۷
بخش دوم: دلایل برتری حضرت زهرا علیها السلام بر زنان عالم	۴۰
بخش سوم: نقد و بررسی ادله برتری مریم علیها السلام	۶۰
اشاره	۶۰
الف. آیه ۴۲ سوره آل عمران	۶۱
ب. روایت «انت سیده نساء اهل الجنة الا مریم البتول»	۷۷
ج. روایت «سيدات اهل الجنة بعد مریم بنت عمران فاطمه و خدیجه و آسیه امراه فرعون»	۸۴
د. روایت «سيدات نساء أهل الجنة مریم بنت عمران ثم فاطمه بنت محمد ثم خدیجه ثم آسیه امرأه فرعون»	۹۳

۱۰۳	ه. روایت «کمل من الرجال كثير ولم يكمل من النساء الا مريم بنت عمران و آسيه امراه فرعون»
۱۰۸	بخش چهارم: نقد و بررسی ادله برتری عایشه
۱۰۸	اشاره
۱۱۷	نتیجه
۱۲۰	ضمیمه های بخش اول
۱۲۵	ضمیمه های بخش دوم
۱۲۷	ضمیمه های بخش سوم
۱۳۰	ضمیمه های بخش چهارم
۱۳۴	کتابنامه
۱۴۰	درباره مرکز

## برترین بانو: پژوهشی پیرامون برتری حضرت زهرا (س) بر مریم بنت عمران و عایشه از نگاه اهل سنت

### مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: برترین بانو: پژوهشی پیرامون برتری حضرت زهرا(س) بر مریم بنت عمران و عایشه از نگاه اهل سنت/محمد شهبازیان.

مشخصات نشر: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۱۲۸ص.

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرست نویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت: چاپ اول.

شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۲۹۷۸۱

ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۶۱-۱

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا

کتابنامه: ص، [۱۲۲] \_ ۱۲۷؛ همچنین به صورت زیرنویس:

۱. فاطمه زهرا علیها السلام، ۸؟ قبل از هجرت \_ ۱۱ق. \_ فضایل. ۲. فاطمه زهرا علیها السلام، ۸؟ قبل از هجرت \_ ۱۱ق. \_ نظر اهل سنت. ۳. فاطمه زهرا علیها السلام، ۸؟ قبل از هجرت \_ ۱۱ق. \_ احادیث. ۴. زنان مقدس \_ اسلام \_ احادیث. الف. بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج). مرکز تخصصی مهدویت. ب. عنوان.

۴ ب ۹ش / ۲ / ۲۷ / ۲۹۷ / ۹۷۳ B

۱۳۹۱ ۲۴۴۷۹۶۸

ص: ۱

### اشاره

برترین بانو

پژوهشی پیرامون برتری حضرت زهرا علیها السلام

بر مریم بنت عمران و عایشه

از نگاه اهل سنت

محمد شهبازیان



برترین بانو (پژوهشی پیرامون برتری حضرت زهرا علیها السلام بر مریم بنت عمران و عایشه از نگاه اهل سنت)

مؤلف: محمد شهبازیان

ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

نوبت چاپ: اول \_ تابستان ۹۱

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۶۱-۱

شمارگان: دو هزار نسخه

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

- قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، مرکز تخصصی مهدویت / خیابان شهدا / کوچه آمار(۲۲) / بن بست شهید علیان / ص.پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵ / همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱ / تلفن: ۷۷۳۷۸۰۱ / فاکس: ۷۷۳۷۱۶۰

- تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) / تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹ / فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹ / ص.پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

www.imammahdi-s.com m info@imammahdi-s.com -

با قدردانی و تشکر از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته اند:

اعضای محترم شورای کتاب حجج اسلام مجتبی کلباسی، محمدصابر جعفری، مهدی یوسفیان، محمدرضا فؤادیان و آقایان احمد مسعودیان (مدیر داخلی)، عبدا... شریفی (مدیر فروش)، مرتضی دانش طلب (مدیر مالی)، رضا فریدی (صفحه آرا)، احمد قارویی (طراح جلد) و کلیه کسانی که ما را یاری نمودند.

مدیر مسئول انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

حسین احمدی

کد فایل: ۰۹۲۳۲

ص: ۲





الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين، سيما الحجة بن الحسن المهدي روي و ارواح من سواه لترات  
مقدمه الفداء

قال الصادق عليه السلام قال جدی رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم:

«ملعون ملعون من يظلم بعدى فاطمه ابنتى و يغصبها حقها و يقتلها، ثم قال: يا فاطمه ابشرى فلک عند الله مقام محمود تشفعين  
فيه لمحبيك و شيعتك، فتشفعين، يا فاطمه لو ان كل نبى بعثه الله و كل ملك قربه، شفعوا فى كل مبغض لك غاصب لك ما  
أخرجه الله من النار ابدا». (الکراجكى)

پس از این همه سفارش و تاکیدات پیامبر اکرم صلى الله عليه و آله و سلم نسبت به فاطمه عليها السلام و پس از آنکه همگان  
دیدند و شنیدند که پیامبر اکرم صلى الله عليه و آله و سلم به هنگام وارد شدن حضرت فاطمه عليها السلام از جا بر می خاست  
و به استقبال او می رفت و دستش را می بوسید و او را جای خود می نشاند،

و پس از آنکه دیدند و یا شنیدند که پیامبر اکرم صلى الله عليه و آله و سلم می فرمود: «هى روى التى بين جنبى»، «فاطمه  
بضعه منى»، انتظار می رفت که همان حرمتی که پیامبر اکرم صلى الله عليه و آله و سلم در بین امت داشت و دارد، روح و روان  
او و پاره تن او نیز این چنین باشد اما افسوس!!

اهل بیت پیامبر و ائمه طاهرين عليهم السلام در شیوه رفتار با فاطمه عليها السلام همان شیوه رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم  
را پیش گرفته و آنچنان متواضعانه برخورد کردند که هر انسان را شگفت زده و غرق حیرت محبت و منتهای عشق و تعلق آنان  
به زهرای اطهر می گرداند.

زمانیکه امام باقر عليه السلام کسالت می یافت فریاد «یا فاطمه»

سر می داد. زمانیکه مشکلات فراگیر شده امام صادق علیه السلام به شیعه نماز فاطمه علیها السلام را تعلیم داده که پس از پایان نماز، سیصد و ده مرتبه در سجده فریاد «یا مولاتی فاطمه اغیثینی» سر بدهند.

زمانیکه امام جواد علیه السلام می خواست به خانه فاطمه علیها السلام وارد شود کفشهای خود را بیرون خانه در آورده و چون وارد می شد، دو رکعت نماز می خواند. همچنین ایشان در پاسخ سوال کننده ای که گفته بود

«ربما طفت عن امک فاطمه و ربما لم اطف» (در مکه گاهی برای مادرت زهرا طواف می کنم)،

می فرمایند:

«استکثر من هذا فانه أفضل ما انت عامله إن شاء الله» (این کار را ادامه داده و زیاد انجام بده، چون بهترین کاری است که تو انجام می دهی).

حضرت مهدی علیه السلام نیز می فرمایند: «لی اسوه بأمی فاطمه».

البته و هزار البته شیوه رفتاری تمامی مسلمانان بویژه پیروان مکتب اهل بیت عصمت، نشأت گرفته از همان سیره و روش پیامبر و اهل بیت اوست. و پیروان مکتب دیگر نیز اگر هوای آلوده حزب شجره ملعونه بنی امیه، و نواصب و خوارج را استنشاق نکرده و بر فطرت خود باشند و تحت تاثیر تطمیع و تهدید و تبلیغات سوء آنان قرار نگرفته باشند، حتما آنان نیز این حریم و حرمت را برای فاطمه نگه داشته و از آن به دفاع برخاسته و با تالیف کتاب هایی چون، فضائل الزهراء (حاکم نیشابوری شافعی) و شواهد التنزیل (حاکم حسکانی حنفی) و فرائد السمطین (جوینی شافعی)

ص: ۶

و... ارادت و اخلاص خود را نسبت به ساحت مقدس حضرت زهرا علیها السلام ابراز می دارند. و یا با سخنرانی های خود در خطبه های جمعه با عبارت (انا فی خلال نعلک یا زهرا) محبت خود را به این بانوی بزرگ دو عالم اظهار می کنند. (چنانچه شیخ محمد حسون امام جمعه حلب چنین اظهار می داشت).

هر چند به مقتضای حدیث متواتر ثقلین تنها محبت و حب آنان مطلوب و کافی نیست بلکه پیروی و اطاعت و مرجعیت آنان مورد نظر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است، ولی باز هم این آثار و تالیفات و این موضعگیری های علمای اهل سنت در برابر نواصب و پرورش یافتگان امویان، خود جهاد بزرگی است. «کلمه حق عند امام جائر»

کسی که مقدمه و انگیزه تالیف فضائل الزهراء (حاکم نیشابوری) را مطالعه کند، بخوبی در می یابد که امویان و نواصب، چه جوی علیه اهل بیت راه انداخته، و امثال حاکم نیشابوری چگونه با این فضای نصب و عداوت و دشمنی با اهل بیت علیهم السلام مبارزه کرده و از مظلومیت زهرا ی اطهر علیها السلام دفاع می کند.

اگر هزاران جلد کتاب در این زمینه -فضایل و مناقب حضرت فاطمه علیها السلام- نوشته شود، باز هم کم و ناچیز است.

مگر می توانیم به مقام والای این بزرگ بانو پی ببریم، «سمیت فاطمه لان الناس فطموا عن کنه معرفتها».

مگر می توانیم این شخصیت با عظمت را بشناسیم، مگر ما لیلۃ القدر را می شناسیم «فاطمه هی لیلۃ القدر».

مگر می توان مقام والای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را درک کرد «یا علی،

ما عرفنی الا الله و انت؛ فاطمه پاره تن این شخصیت است.

ولی میتوان همان سخنی را که ملائکه به خدا عرض کردند «لا علم لنا الا ما علمتنا»، ما هم به بندگان صالح و شایسته خداوند یعنی حضرات معصومین علیهم السلام عرض کنیم و از آنان بخواهیم که گوشه ای از مقام و شأن حضرت صدیقه طاهره علیها السلام را برای ما تبیین کنند. آنان در پاسخ ما یک کلمه می گویند:

«انها سیده نساء العالمین، سیده نساء اهل الجنة»

آری، ولو كان النساء بمثل هذه لفضلت النساء على الرجال.

کتاب حاضر پژوهشی است در بیان مقام زهرا علیها السلام در دو عالم، اثر نویسنده فاضل و پژوهشگر توانا جناب ثقه الاسلام محمد شهبازیان، الحق و الانصاف تلاش فراوان و پیگیری را داشته و به دهها کتاب مراجعه کرده و برتری حضرت زهرا علیها السلام را بر تمامی زنان عالمیان حتی حضرت مریم به اثبات رسانیده و در این زمینه ادله و دیدگاه اهل سنت را نیز متذکر شده و برتری حضرتش را طبق موازین و مبنای آنها نیز به اثبات رسانیده.

نویسنده محترم در طول مدت این پژوهش به اینجانب مراجعات مکرری داشته و بنده نیز ملاحظات و نکاتی را که مورد نیاز بود متذکر شدم، و ایشان هم اعمال کرده و بحمدالله یک رساله علمی و تحقیقی را تدوین و به جهان اسلام و تشیع تقدیم و بر ارزش و غنای علمی کتابخانه های ما افزود. شکر الله سعيه

امیدوارم این رساله اولین گام و مقدمه ای برای تالیف کتاب های تحقیقی و علمی دیگر باشد و طلیعه ای برای خدمات فراوان به

ساحت مقدس اهل بيت پیامبر اکرم عليهم السلام. إن شاء الله

والسلام عليكم

قم مقدس - نجم الدين طبسی

۱۸/ج ۲/۱۴۳۰ برابر با ۲۲/۳/۱۳۸۸

ص: ۹



چکیده ۱۲

مقدمه ۱۴

بخش اول

پاره ای از فضایل حضرت زهرا علیها السلام در کتب اهل سنت ۱۹

۱. ۱. برترین زنان در دو عالم و در عالم اسلام ۲۰

۱. ۲. برترین زنان بهشتی ۲۱

۱. ۳. محبوبترین زن نزد رسول خدا ۲۲

۱. ۴. رضای خدا در رضای فاطمه علیها السلام ۲۴

۱. ۵. برترین انسانها بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۲۸

۱. ۶. هم مکان با رسول خدا در قیامت ۲۸

۱. ۷. اولین وارد شونده به بهشت ۳۰

۱. ۸. شبیه ترین مردم به رسول خدا ۳۱

بخش دوم

دلایل برتری حضرت زهرا علیها السلام بر زنان عالم ۳۳

بخش سوم

نقد و بررسی ادله برتری مریم علیها السلام ۵۳

ص: ۱۰

الف. آیه ۴۲ سوره آل عمران ۵۴

ب. روایت «انت سیده نساء اهل الجنة الا مریم البتول» ۷۰

ج. روایت «سيدات اهل الجنة بعد مریم بنت عمران فاطمه و خدیجه و آسیه امراه فرعون» ۷۷

د. روایت «سيدات نساء أهل الجنة مریم بنت عمران ثم فاطمه بنت محمد ثم خدیجه ثم آسیه امراه فرعون» ۸۶

ه. روایت «كامل من الرجال كثير ولم يكمل من النساء الا مریم بنت عمران و آسیه امراه فرعون» ۹۶

بخش چهارم

نقد و بررسی ادله برتری عایشه ۱۰۱

۱. روایت «خذوا ثلثی دینکم عن الحمیراء» ۱۰۳

۲. روایت «فضل عایشه علی النساء کفضل الثرید علی الطعام» ۱۰۵

نتیجه ۱۱۰

ضمیمه های بخش اول ۱۱۳

ضمیمه های بخش دوم ۱۱۸

ضمیمه های بخش سوم ۱۲۰

ضمیمه های بخش چهارم ۱۲۰

کتابنامه ۱۲۷

ص: ۱۱

اگر چه روایات فریقین، از خدیجه بنت خویلد، مریم بنت عمران و آسیه، همسر فرعون، به عنوان زنان برگزیده و در کنار نام حضرت زهرا علیها السلام نام برده‌اند؛ اما بر کسی پوشیده نیست که در میان این بانوان، حضرت زهرا علیها السلام، برترین محسوب می‌شود. برخی از علمای اهل سنت کوشیده‌اند با تمسک به آیه ۴۲ سوره آل عمران و سه روایت از در منابع روایی خود، برتری حضرت مریم علیها السلام، و با تمسک به دو روایت، برتری عایشه بر حضرت زهرا علیها السلام را به اثبات رسانند.

نگارنده کوشیده است با ارائه مستنداتی از کتب اهل سنت و ادله‌ای موافق با مبانی ایشان، علاوه بر توجیه دلایل مدعای فوق، به دلایل برتری حضرت زهرا علیها السلام پردازد. به طور کلی، ما در این رساله کوشیده‌ایم تا ادله برتری مریم بنت عمران را به محدود بودن در زمان و عصر

خودش \_ به ویژه به دلیل خصوصیت منحصر به فرد مریم در تولد کودکی بدون پدر \_ تفسیر نموده و دلایل برتری عایشه را نیز با اثبات جعلی بودن یکی از روایات و عدم دلالت برتری در روایت دیگر رد کنیم. عدم تحقیق جامع و وجود نتایج ارزشمندی که از اثبات برتری حضرت زهرا علیها السلام بر مریم بنت عمران حاصل می شود، باعث گردید تا نگارنده به این مهم بپردازد و جهت استحکام ادله در نظر اهل سنت، به طور کلی از منابع روایی و گفتار علمای اهل سنت استفاده کرده است.

کلید واژه‌ها: فاطمه علیها السلام، الا مریم بنت عمران، الا ما جعل الله لمریم، خدیجه بنت خویلد، سیده نساء العالمین، سیده نساء اهل الجنة، بضعه بن منی، ثلثی دینکم، فضل الثرید، کمل من الرجال، ثم فاطمه، بعد مریم بنت عمران.

در تمامی مذاهب اسلامی از چهار زن به عنوان برترین بانوان و الگوی دیگر زنان نام برده شده است

و این نظر، مستند به روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشد که فرموده اند:

«حسبک من نساء العالمین اربع مریم بنت عمران و آسیه و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد؛<sup>(۱)</sup>

برترین زنان عالم، مریم بنت عمران، آسیه، خدیجه و فاطمه می باشند.»

پس از نقل این روایت و روایت های مشابه، این تکاپو میان علمای مذاهب به وجود آمد که کدام یک از این بانوان بر دیگران

برتری دارد

ص: ۱۴

---

۱- المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۵۷، باب مناقب فاطمه، ح ۴۷۴۶. مراد از «حسبک» در این جا، کفایت در الگو گیری و پیروی می باشد.

و به عنوان برترین زن در دو عالم، مطرح می باشد.

برخلاف نظر علمای شیعه، برخی از اهل سنت، مقام مریم بنت عمران علیها السلام را برتر از زهراى مرضیه علیها السلام می دانند و برای ادعای خود، دلایلی را نیز متذکر شده‌اند. بر این اساس، ضروری است که پس از فحص و دقت در مستندات این گروه و پاسخ گویی به آنان، نظری را که مطابق با آیات و روایات می باشد به دست آوریم و به نتایج آن پایبند باشیم.

اهمیت و ضرورت تحقیق

الف) بررسی و دقت در روایاتی که برترین بانو را معرفی می کنند و حل تعارض های ظاهری میان آنان

ب) معرفی برترین بانو و تلاش برای احیای سیره ایشان و عمل به آن در جوامع اسلامی

ج) احیای مقام واقعی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

د) اعتقاد به مقام‌هایی مانند عصمت، صدق کلام، درستی عمل و علم الهی برای حضرت زهرا علیها السلام با اثبات برتر بودن ایشان در دنیا و آخرت

پرسش های پژوهش

الف) پرسش اصلی

سیده نساء عالمین و برترین بانو، بنابر نقل اهل سنت، چه کسی می باشد؟

ص: ۱۵

۱. دلایل برتری فاطمه زهرا علیها السلام بر دیگر زنان چیست؟

۲. تعارض میان ادله برتری فاطمه زهرا علیها السلام و مریم عذرا حل چگونه می شود؟

۳. تعارض میان ادله برتری فاطمه زهرا علیها السلام و عایشه چگونه حل می شود؟

فرضیه پژوهش

فرضیه اصلی

زهراى مرضيه عليها السلام برترين بانو در دو عالم بوده و مقام ايشان از مقام مریم بنت عمران، عایشه و تمامی زنان عالم برتر می باشد.

فرضیه رقیب

۱. مریم بنت عمران، برترین بانو در دو عالم است و مقام زهرا علیها السلام پس از او می باشد.

۲. مقام عایشه از حضرت زهرا علیها السلام بالاتر بوده و یا حداقل در یک رتبه می باشند.

پیش فرض ها

صدیقه طاهره علیها السلام از جمله بانوان برتر در دنیا و آخرت و قابل احترام در تمامی مذاهب اسلامی است که آیات و روایات زیادی بر مقام ایشان تأکید نموده اند.

نگارنده، پس از جستجوی میدانی و پرسش از اساتید صاحب نظر، در این زمینه به کتابی مستقل دست نیافت؛ بلکه تنها کتبی مانند «الکلمه الغراء فی تفضیل الزهراء» اثر علامه سید عبدالحسین شرف الدین و «الارائج المسکيه فی تفضیل البضعه الزکيه عليها أفضل صلاه وأفضل تحیه» تألیف السید حسن الحسینی آل المجدد الشیرازی، بخشی مختصر از مطالب خود را به این موضوع اختصاص داده اند.

#### انگیزه تحقیق

۱. عدم پرداختن به این مطلب به صورت موضوعی مستقل یا پژوهشی قابل توجه، به همراه ارائه استدلال های جدید و بررسی روایات معارض

۲. اثبات مقام هایی مانند عصمت، صداقت و علم الهی برای حضرت زهرا علیها السلام، پس از آشکار شدن برتری دختر رسول خدا بر دختر عمران؛ که به اعتقاد اهل سنت و شیعه، حائز این مقامات بوده است.

این موارد، زمینه ای شد تا پس از طرح موضوع توسط آیت الله نجم الدین طوسی (حفظه الله تعالی) و راهنمایی های عالمانه ایشان، به تحقیق پیرامون آن پردازم.

#### روش پژوهش

روش پژوهش، توصیفی و تحلیلی، و نوع پژوهش، کاربردی می باشد.



به صورت کتابخانه ای می باشد، و محدود به کتب اهل سنت (عامه) است.

منابع پژوهش

به علت گستردگی منابع، ترجیح داده شد که در پایان و بخش کتابنامه ذکر گردد.

در پایان، لازم است که از استاد بزرگوارم، آیت الله شیخ نجم الدین طبسی و آیت الله احمد عابدی \_ که پس از بررسی مطالب، نظرات سازنده ای را متذکر شدند \_ و نیز همسرم \_ که مرا در انجام این امر یاری نمود \_ و تمامی عزیزانی که با ارائه نظرات خود در شکل گیری بهتر کار، نقش آفریدند، تشکر و قدردانی نمایم.

محمد شهبازیان

TARID@CHMAIL.IR

بخش اول: پاره ای از فضایل حضرت زهرا علیها السلام در کتب اهل سنت

اشاره

ص: ۱۹

آیات بسیاری از قرآن، مستقیم یا غیرمستقیم به مقام علمی و اخلاقی حضرت زهرا علیها السلام اشاره کرده اند؛ از جمله آیه تطهیر، مباحله، مودت و... اهل سنت نیز این آیات را در اثبات مقام حضرت زهرا علیها السلام ذکر و احادیث زیادی را از بزرگان خود، نقل کرده‌اند؛ تا آنجا که کتب مفصل و بسیاری، در این باره، از سوی آنان به نگارش در آمده است.

در این قسمت، به برخی از روایات منقول از سوی اهل سنت که صحیح و مستند هستند، اشاره می‌کنیم.

### **۱.۱. برترین زنان در دو عالم و در عالم اسلام**

عن أبي هريره أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال: «إن ملكا من السماء لم يكن زارني فاستأذن الله في زيارتي فبشرني - أو أخبرني - أن فاطمه سيدة نساء أمتي»

رواه الطبرانی ورجاله رجال الصحيح غير محمد بن مروان

ص: ۲۰

«ابوهریره نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: فرشته ای الهی چنین بشارت داد که همانا فاطمه سرور زنان امت من است.»

افراد ذکر شده در سند، از راویان صحیح بخاری می باشد، غیر از محمد بن مروان گرچه ابن حبان او را ثقه و معتبر می داند.

زکریا بن ابی زائد عن فراس عن الشعبي عن مسروق عن عائشه رضی الله عنها: أن النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال: و هو فی مرضه الذی توفی فیهِ: «یا فاطمه ألا ترضین أن تکونی سیده نساء العالمین و سیده نساء هذه الأمه و سیده نساء المؤمنین»

هذا إسناد صحیح و لم یخرجاه هكذا... (۲)

«از عایشه نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ای فاطمه! آیا راضی نمی شوی که برترین زنان دو عالم و برترین زنان این امت و برترین زنان مؤمنه باشی؟»

حاکم نیشابوری این روایت را صحیح و معتبر می داند.

## ۱.۲. برترین زنان بهشتی

حدثنا أبو العباس محمد بن یعقوب ثنا الحسن بن علی بن

ص: ۲۱

---

۱- مجمع الزوائد و منبع الفوائد، نور الدین علی بن ابی بکر الهیثمی، باب مناقب فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رضی الله عنها، ج ۹، ص ۳۲۴، ح ۱۵۱۹۱. مراد از «رجالہ رجال الصحیح» راویان کتاب صحیح بخاری هستند.

۲- المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ذکر مناقب فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، ج ۳، ص ۱۷۰، ح ۴۷۴۰.

عفان العامری ثنا إسحاق بن منصور السلولی ثنا إسرائيل عن میسرہ بن حبیب عن المنہال بن عمرو عن زر بن حبیش عن حذیفہ رضی اللہ عنہ قال:

قال رسول اللہ: «نزل ملک من السماء فاستأذن اللہ أن یسلم علی لم ینزل قبلها فبشرنی أن فاطمه سیده نساء أهل الجنه» (۱)

تابعه أبو مرى الأنصارى عن المنهال

تعليق الذهبى فى التلخيص: صحيح

«از حذیفه نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ملکی که قبلاً نزد من نیامده بود، از خدا برای سلام کردن بر من اذن گرفته و پس از ملاقات با من چنین گفت: همانا فاطمه برترین زنان بهشتی است.»

حاکم نیشابوری و ذهبی حدیث را صحیح و معتبر می دانند. همین روایت در کتاب سنن ترمذی نیز آمده و آلبانی آن را صحیح می داند. (۲)

### ۳.۱. محبوب ترین زن نزد رسول خدا

«أخبرني زكريا بن يحيى قال حدثنا إبراهيم بن سعيد قال حدثنا شاذان عن جعفر الاحمر عن عبد الله بن عطاء عن بن

ص: ۲۲

---

۱- المستدرک علی صحیحین، حاکم نیشابوری، ذکر مناقب فاطمه بنت رسول الله، ج ۳، ص ۱۶۴، ج ۴۷۲۱.

۲- ر.ک: سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۶۰، باب مناقب الحسن و الحسين علیهما السلام.

جاء رجل إلى أبي فسأله أي الناس كان أحب إلى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم من النساء فقال كان أحب الناس إلى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم من النساء فاطمه ومن الرجال علي(۱).

«ابن بریده می گوید: وقتی که از پدرم پرسیدند که محبوبترین شخص از زنان و مردان نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چه کسانی بودند، پدرم جواب داد: از میان زنان فاطمه، و از مردان علی محبوبترین افراد بودند.»

نسایی درباره این روایت، بیانی دارد و نقل «عبدالله بن عطا» را قبول نمی کند، اما این سخن نسایی از نظر دیگر علمای اهل سنت قابل قبول نیست، و تمامی افرادی که در سلسله سند روایت آمده اند، ثقه می باشند. افرادی مانند ترمذی، بخاری، ابن حبان و ابن شاهین، «عبدالله بن عطا» را ثقه می دانند و ذهبی نیز او را صدوق می خواند.(۲)

حاکم نیشابوری و ذهبی نیز این روایت را صحیح و معتبر می دانند.(۳)

همچنین مناوی این روایت را نقل کرده و می پذیرد:

النعمان بن بشیر: استاذن ابوبکر علی المصطفی، فسمع عایشه علیا و هی تقول: والله لقد عرفت أن فاطمه و علیا احب

ص: ۲۳

---

۱- سنن الکبری، نسایی، ج ۵، ص ۱۴۰.

۲- تهذیب الکمال، مزی، ج ۴، ص ۲۱۲ و پاورقی ص ۲۱۳ (مراد از شاذان، اسود بن عامر شاذان و مراد از جعفر الاحمر، جعفر بن زیاد می باشد، که جهت بررسی تفصیلی به کتاب تهذیب الکمال مزی ذیل همین نام ها مراجعه گردد.)

۳- المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۶۸، باب مناقب فاطمه علیها السلام .

اليك منى و من أبى مرتين أو ثلاثا، فاستاذن ابوبكر فاهوى عليها، فقال: يا بنت فلان، ألا سمعتك ترفعين صوتك على رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم

رواه الامام احمد و رجاله رجال الصحيح (١)

«روزی ابوبکر نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفت، و شنید که عایشه با صدای بلند، خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می گوید: قسم به خدا که علی و فاطمه نزد شما از من و پدرم محبوبتر هستند. این سخن را عایشه دو یا سه بار تکرار کرد. سپس ابوبکر رو به او کرد و گفت: ای دختر فلان، آیا از تو شنیدم که صدایت را بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بلند نموده ای؟!»

#### ١.٤. رضای خدا در رضای فاطمه علیها السلام

عن علی - رضی الله عنه - قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم لفاطمه: «إن الله يرضى لرضاك ويغضب لغضبك».

رواه الطبرانی بإسناد حسن تعلیمه إياها وتأديبه وتهذيبه لها (٢)

«از علی علیه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه زهرا فرمودند: همانا خداوند راضی می شود با رضایت تو و غضبناک می شود با غضب تو.»

همچنین مناوی این روایت را در قسمتی دیگر از کتاب خود ذکر کرده و در مورد اعتبار سند آن می گوید:

ص: ٢٤

---

١- اتحاف السائل بما لفاطمه من المناقب، مناوی، ص ٢٩.

٢- اتحاف السائل بما لفاطمه من المناقب، مناوی، ص ٦٥، ح ١٥.

رواه أحمد والترمذی والحاكم والطبرانی بأسانید صحیحه(۱)

«این روایت را احمد بن حنبل، ترمذی، حاکم نیشابوری و طبرانی با سند معتبر و صحیح ذکر کرده اند.»

أخبرني أحمد بن جعفر القطيعي ثنا عبد الله بن أحمد بن حنبل حدثني أبي ثنا أبو سعد مولى بني هاشم ثنا عبد الله بن جعفر حدثنا أم بكر بنت المسور بن مخرمه عن عبيد الله بن أبي رافع عن المسور... و لكن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال:

«فاطمه بضعه مني يقبضني ما يقبضها و يبسطني ما يبسطها»

هذا حديث صحيح الإسناد و لم يخرجاه تعليق الذهبي في التلخيص: صحيح(۲)

«پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: فاطمه پاره تن من است، آنچه که او را اندوهگین کند، مرا اندوهگین کرده و آنچه که او را خوشحال سازد، مرا خوشحال می کند...»

حاکم نیشابوری و ذهبی روایت را صحیح می دانند.

نکته ای که ذیل این روایت و در شرح های حدیثی اهل سنت آمده، بسیار قابل تأمل می باشد. در کتبی مانند فیض القدير، عمده القاری و فتح الباری آمده است که بنابر این حدیث، دشنام دهنده بر حضرت زهرا علیها السلام کافر است. همچنین، مصداق

ص: ۲۵

---

۱- اتحاف السائل بما لفاطمه من المناقب، مناوی، ص ۵۹، ح ۵.

۲- المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، باب مناقب فاطمه، ج ۳، ص ۱۷۲، ح ۴۷۴۷.



بزرگترین اذیت و آزار ایشان، آزار رساندن بر فرزندان او بوده و بنا بر همین برداشت، هیچ توجیهی برای ظلم های بنی امیه وجود ندارد. آنچه در متن شروح آمده، بدین صورت می باشد:

حدثنا أبو الوليد حدثنا ابن عيينه عن عمرو بن دينار عن ابن أبي مليكة عن المسور بن مخرمه رضي الله تعالى عنهما أن رسول الله صلى الله عليه وآله قال «فاطمه بضعة مني فمن أغضبها فقد أغضبني»

واستدل به البيهقي على أن من سبها فإنه يكفر. (۱)

«بيهقي بنا بر این روایت استدلال کرده است که دشنام دهنده بر زهرا علیها السلام کافر می باشد.»

استدل به السهيلي على أن من سبها كفر لأنه يغضبه وأنها أفضل من الشيخين. (۲)

«سهيلي بنا بر این روایت استدلال کرده که دشنام دهنده بر زهراي مرضيه کافر است و مقام ایشان از خليفه اول و دوم نیز بالاتر است.»

«وفي الحديث تحريم أذى من يتأذى النبي بتأذيه لأن أذى النبي حرام اتفاقا قليلا وكثيره وقد جزم بأنه يؤذيه ما يؤذى فاطمه فكل من وقع منه في حق فاطمه شيء فتأذت به فهو يؤذى النبي بشهادة هذا الخبر الصحيح ولا شيء أعظم في إدخال الأذى عليها من قتل ولدها ولهذا عرف بالاستقراء»

ص: ۲۶

---

۱- عمده القاری شرح صحیح بخاری، بدرالدین عینی، باب مناقب فاطمه، ج ۲۴، ص ۴۰۳.

۲- فیض القدير، المناوی، ج ۴، ص ۴۲۱، حرف الفاء.

معالجه من تعاطى ذلك بالعقوبه فى الدنيا ولعذاب الآخرة أشد(۱)».

در این حدیث حرمت آزار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ذکر گردیده، چرا که آزار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بنابر نظر همه علماء، چه کم و چه زیاد حرام می باشد. و به طور قطع و با توجه به این روایت معتبر، آن کس و آنچه فاطمه زهرا علیها السلام را آزار دهد، پیامبر را اذیت نموده است.

و هیچ آزاری برای دختر پیامبر بزرگتر از ظلم و اذیت فرزندانش نمی باشد.»

مناوی نیز با توجه به این روایت، بنی امیه و هواداران آنها را چنین توبیخ می نماید:

«كما قال: " فاطمه بضعه منى " ومع ذلك فقابل بنو أمیه عظیم هذه الحقوق بالمخالفة والعقوق فسفكوا من أهل البيت دماءهم وسبوا نساءهم وأسروا صغارهم وخربوا ديارهم وجحدوا شرفهم وفضلهم واستباحوا سبهم ولعنهم فخالفوا المصطفى صلی الله علیه و آله و سلم فى وصيته وقابلوه بنقيض مقصوده وأمنيته فوا خجلهم إذا وقفوا بين يديه ويا فضيحتهم يوم يعرضون عليه»(۲).

اگر چه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: فاطمه پاره تن من است، اما بنی امیه به مخالفت با اهل بیت پیامبر پرداختند، خونشان را ریخته، زنانشان را دشنام دادند، کودکانشان را به اسارت

ص: ۲۷

۱- فتح الباری، ابن حجر، ج ۹ ص ۳۲۹، کتاب النکاح، باب ذب الرجل عن ابنته فى الغیره والإنصاف .

۲- فیض القدر، المناوی، ج ۳، ص ۱۴، ح ۲۶۳۱.

گرفته، خانه هایشان را ویران ساخته و مقامشان را انکار کردند. همچنین دشنام دادن و لعن بر اهل بیت علیهم السلام را مباح نمودند. آنها با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مخالفت نموده و با او به جنگ پرداختند. پس وای بر آنها زمانی که روبروی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار گیرند.»

### ۵. ۱. برترین انسانها بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

عن عائشه قالت: (ما رأيت أفضل من فاطمه غير أبيها)

رواه الطبرانی فی الأوسط وأبو يعلى إلا أنها قالت: ما رأيت أحدا قط أصدق من فاطمه. ورجالهما رجال الصحيح (۱)

«از عایشه نقل شده است: کسی را بالاتر از فاطمه، غیر از پدر بزرگوارش ندیده ام.»

در روایتی دیگر چنین نقل شده است: هیچ کس را راستگو تر از او ندیده ام.»

افراد ذکر شده در سند، از رجال مورد اعتماد بخاری می باشد.

### ۶. ۱. هم مکان با رسول خدا در قیامت

أخبرني أبو بكر إسماعيل بن الفقيه بالري ثنا أبو حاتم محمد بن إدريس ثنا كثير بن يحيى ثنا أبو عوانه داود بن أبي عوف عن عبد الرحمن بن أبي زياد أنه سمع عبد الله بن الحارث بن نوفل يقول: ثنا أبو سعيد الخدري رضي الله عنه: أن النبي صلى الله عليه و آله و سلم

ص: ۲۸

---

۱- مجمع الزوائد، الهيثمي، باب مناقب فاطمه، ج ۹ ص ۳۲۵، ح ۱۵۱۹۳.

دخل على فاطمه رضى الله عنها فقال: «إني وإياك وهذا النائم يعني عليا و هما يعني الحسن و الحسين لفي مكان واحد يوم القيامة» (١).

هذا حديث صحيح الإسناد و لم يخرجاه، تعليق الذهبي في التلخيص: صحيح

«پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دیدار فاطمه علیها السلام آمد و فرمود: همانا من و تو و این شخصی که این جا خوابیده است، یعنی علی و این دو، یعنی حسن و حسین، در روز قیامت در یک مکان هستیم.»

حاکم نیشابوری و ذهبی، روایت را صحیح می دانند.

أخبرنا أحمد بن بالويه العقصى من أصل كتابه ثنا محمد بن عثمان بن أبي شيبة ثنا محمد بن عبد الله بن نمير ثنا أبو مسلم قائد الأعمش ثنا الأعمش عن سهيل بن أبي صالح عن أبيه عن أبي هريره رضى الله عنه قال: قال رسول الله «تبعث الأنبياء يوم القيامة على الدواب ليوافوا بالمؤمنين من قومهم المحشر و يبعث صالح على ناقته و أبعث على البراق خطوها عند أقصى طرفها و تبعث فاطمه أمامي»

هذا حديث صحيح على شرط مسلم و لم يخرجاه (٢).

«از ابو هريره نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: روز

ص: ٢٩

- 
- ١- المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، باب اسلام علی علیه السلام، ج ٣، ص ١٤٧، ح ٤٦٦٤. این روایت را با مقداری تفاوت در مسند احمد، ج ٢، ص ٢٥٩، ح ٧٥٣ و در معجم الکبیر طبرانی، ج ٢٢، ص ٤٠٦، رقم ١٠١٧ می توان مشاهده کرد.
  - ٢- المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، باب مناقب فاطمه علیها السلام، ج ٣، ص ١٦٦، ح ٤٧٢٧.

قیامت، در حالی مبعوث می شوم که فاطمه صلی الله علیه و آله و سلم روبروی من است.»

حاکم نیشابوری این روایت را صحیح می داند.

### ۷.۱. اولین وارد شونده به بهشت

أخبرنا أبو عبد الله محمد بن أحمد بن بطه الأصبهاني، ثنا عبد الله بن محمد بن زكريا الأصبهاني، ثنا إسماعيل بن عمرو البجلي، ثنا الأجلح بن عبد الله الكندي، عن حبيب بن ثابت، عن عاصم بن ضمره، عن علي رضي الله عنه قال: أخبرني رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «(أن أول من يدخل الجنة أنا وفاطمة والحسن والحسين)» قلت: يا رسول الله، فمحبونا؟ قال: «من ورائكم» [ضمیمه ۱]

صحیح الإسناد، ولم يخرجاه. (۱)

«از علی علیه السلام نقل شده است که پیامبر به من خبر داد: همانا اولین کسانی که وارد بهشت می شود من و فاطمه و حسن و حسین هستیم. گفتم: یا رسول الله پس محبین ما چه می شوند؟ فرمود: آنها پشت سر ما وارد بهشت می گردند.»

حاکم نیشابوری، روایت را صحیح می داند.

### ۸.۱. شبیه ترین مردم به رسول خدا

حدثنا أبو العباس محمد بن يعقوب بن إسحاق الصغاني، ثنا

ص: ۳۰

عثمان بن عمیر، ثنا اسرائیل، عن میسرہ بن حبیب، عن المنہال بن عمرو، عن عائشہ بنت طلحہ، عن أم المؤمنین عائشہ أنها قالت: ما رأيت أحدا كان أشبه كلاما، وحديثا من فاطمة برسول الله، وكانت إذا دخلت عليه رحب بها، وقام إليها فأخذ بيدها فقبلها وأجلسها في مجلسه.

هذا حديث صحيح على شرط الشيخين ولم يخرجاه. تعليق الذهبي في التلخيص: صحيح(1).

«از عایشہ نقل شده است: هیچ کس را در سخن و حدیث، شبیه تر از زهرا به پدرش ندیدم و هرگاه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می آمد، ایشان صلی الله علیه و آله و سلم برای او مکان را می گشود؛ پس بر می خاست، به سوی زهرا می رفت، دست او را می گرفت و می بوسید و نزد خود می نشاند.

حاکم نیشابوری و ذهبی این روایت را صحیح می دانند.

ص: ۳۱

---

۱- المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، باب مناقب فاطمه، ج ۳، ص ۱۶۷ و ص ۱۷۵، ح ۴۷۳۲. این روایت در این مصادر نیز آمده است: السنن الکبری، للبیهقی، ج ۷، ص ۱۰۱، السنن الکبری للنسائی، ج ۵، ص ۳۹۱ ح ۹۲۳۶ و صحیح ابن حبان، ج ۲۸، ص ۴۴۷، ح ۷۰۷۹.



بخش دوم: دلایل برتری حضرت زهرا علیها السلام بر زنان عالم

ص: ۳۳



ما در این بخش، به بررسی دلائل برتری حضرت زهرا علیها السلام بر حضرت مریم و دیگر زنان عالم می پردازیم و پس از دقتی هر چند کوتاه، متوجه خواهیم شد که نمی توان در دو عالم بانویی برتر از صدیقه طاهره علیها السلام پیدا کرد.

(۱) اکثر قریب به اتفاق اهل سنت، این مطلب را قبول دارند که زهرا علیها السلام برترین زنان در دوران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و اگر شبهه ای وجود دارد، در برتری مادر بزرگوارشان حضرت خدیجه علیها السلام و عایشه است.

از طرف دیگر، با دلایل متقن و صحیحی که از لایه به لایه روایات ذکر خواهد شد و مطالبی که مفسرین، ذیل آیه ۴۲ آل عمران بیان کرده اند (و در بخش سوم کتاب، به تفصیل به آن ها خواهیم پرداخت) مریم، برترین بانو در زمان خودش محسوب می شود و مطابق با روایات حتی بر خدیجه کبری علیها السلام نیز برتری ندارد؛ پس با احتساب اینکه مریم، در نهایت، هم رده با ام المؤمنین، خدیجه است و از سویی، رأی تمامی علمای اهل سنت بر بالا تر بودن مقام زهرا علیها السلام حتی

از مادر بزرگوارشان می باشد، آیا نباید مقام بضعه النبی صلی الله علیه و آله و سلم را از مریم بالاتر دانست؟!

(الف) حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت مریم هر دو در یک رده هستند.

(ب) حضرت زهرا علیها السلام بر حضرت خدیجه علیها السلام برتری دارد.

(نتیجه) مقام حضرت زهرا علیها السلام از مریم بنت عمران برتر می باشد.

(۲) طبق احادیثی که در صفحات قبل ذکر کردیم، تمامی علمای اسلامی، این نکته را قبول دارند که فاطمه علیها السلام برترین بانوی امت اسلام می باشد. از طرفی، بنابر آیات قرآن و روایاتی که ذیل آنها وجود دارد و مورد قبول اهل سنت نیز هست امت اسلام، برترین امت ها است. پس مطمئناً بانوی اول آنها، برترین بانو و سیده زنان هر دو دنیا می باشد.

در این باره می توان به جملات تعدادی از علمای اهل سنت اشاره نمود که این چنین می گویند:

قال الحسن: نساؤه أفضل نساء العالمین.

والمتولی: نساؤه خیر نساء هذه الامه المذكوره تحتلهما.

والایه تحتل ایضاً؛ لظاهر العموم، وقد یحتج له بأن هذه أمه خیر الامم، فنساؤها خیر نساء الامم، والتفضیل علی الافضل تقضیل علی من دونه بطریق الاولی.»(۱)

ص: ۳۵

---

۱- سبل الهدی والرشاد فی سیره خیر العباد، محمد بن یوسف الصالحی الشامی، جمع أبواب خصائصه صلی الله علیه وسلم فی فوائد تتعلق بكلام عن الخصائص، الباب الأول فیما اختص به عن الانبیاء علیه وعلیهم أفضل الصلاه والسلام فی ذاته فی الدنیا، ج ۱۱، ص ۹۹. مراد از آیه محتمله، آیه ۳۲ سوره احزاب می باشد.

خلاصه سخن و کلام حسن بصری و دیگر علما این است:

زنان پیامبر، برتر از زنان تمام امت‌ها هستند (چه گذشته و چه آینده)، چرا که امت او بهترین امت‌هاست و اگر زنان پیامبر، بر زنان امت برگزیده (یعنی اسلام) برتری داشته باشند، به طریق اولی و یقیناً از زنان امت‌های قبلی برتر هستند.»

البته نویسنده کتاب سبیل الهدی، در ادامه، اعتقاد علمای اهل سنت مبنی بر برتری فاطمه و خدیجه علیهما السلام از دیگر زنان را مطرح می‌کند.

همچنین احمد زینی دحلان نیز در کتاب خود، به همین مطلب اشاره دارد؛ که در همین بخش و در قسمت کلام علمای اهل سنت، آن را خواهیم آورد.

۳) در روایت صحیح‌ه ای که در بخش قبلی نقل کردیم، حضرت زهرا علیها السلام جزء اولین کسانی هستند که وارد بهشت می‌شوند و همچنین، ایشان در قیامت با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هم مکان هستند؛ پس چگونه ممکن است کسی که هم زمان با افضل الأنبیا وارد بهشت شود، مقامش از کسانی که پس از او وارد می‌شوند، پایین‌تر باشد؟!

شاید برخی بگویند که در روایتی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «قبل

از سابقین امتم، مریم بنت عمران و برخی انبیای دیگر، وارد بهشت می شوند» که این روایت را ابن عساکر چنین آورده:

أخبرنا أبو الفتح يوسف بن عبد الواحد الماهاني عن شجاع بن علي المصقلی عن محمد بن إسحاق بن منده عن أبو عمرو مولى بنی هاشم عن أبو حاتم الرازی عن أبو الیمان عن إسماعیل بن عیاش عن صفوان بن عمرو عن عبد الرحمن بن أبي عوف الجرشی عن عبد الله بن عائذ الثمالي أنه سمع النبي صلى الله عليه وآله وسلم يقول: «لو حلفت لبررت ما يدخل الجنة قبل الأول من أمتي قال: [إلا] إبراهيم وإسماعيل وإسحاق ويعقوب والأسباط وموسى وعيسى ومریم بنت عمران»<sup>(۱)</sup>

«پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: قبل از اولین نفر از امتم، کسی وارد بهشت نمی شود مگر ابراهیم نبی، اسماعیل، اسحاق، یعقوب و فرزندانش، موسی، عیسی و مریم بنت عمران.»

در جواب باید گفت: مراد از این روایت مطمئناً دخول به بهشت قبل از فاطمه زهرا علیها السلام نیست و ایشان از این روایت استثنا هستند؛ چرا که طبق روایت قبلی، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همزمان با ایشان وارد بهشت می گردد و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز به دلیل برتری بر تمامی انبیاء الهی، قبل از همه وارد بهشت می شوند.

۴) مطلب دیگری که می توان متذکر شد، پاره تن پیامبر بودن حضرت زهرا علیها السلام است که جهت بیان استدلال، کلام برخی از علمای

ص: ۳۷

---

۱- تاریخ دمشق، ابن عساکر، ج ۷۰، ص ۱۱۵.

عامه را ذکر می کنیم:

صاحب کتاب سبل الهدی چنین می گوید:

والحدیث الأول یقتضی فضل فاطمه علی أمها، وفی حدیث آخر: «فاطمه بضعه منی» وهو یقتضی تفضیل فاطمه علی جمیع نساء العالم ومنهن خدیجه وعائشه رضی الله عنها وبقیه بنات النبی صلی الله علیه و آله و سلم ...

قال ابن دحیه فی مرج البحرین: سئل العالم الکبیر أبو بکر بن داود علی رحمه الله: من أفضل خدیجه أم فاطمه رضی الله عنهما؟ فقال: ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال «ان فاطمه بضعه منی» ولا أعدل ببضعه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم أحدا...

وقال السهیلی: وهذا استقراء حسن ویشهد لصحة هذا الاستقراء أن أبا لبابه حین ارتبط نفسه، وحلف أن لا یحله الا رسول الله فجاءت فاطمه لتحله فأبی؛ لاجل قسمه، فقال رسول الله: «انما فاطمه بضعه منی» (۱).

«بنابر حدیث "فاطمه پاره تن من است"، ایشان برتر از تمامی زنان عالم است که از جمله می توان به خدیجه و عایشه و دختران پیامبر اشاره کرد. همچنین، ابن دحیه در کتاب مرج البحرین می گوید: از عالم کبیر، ابو بکر بن داود علی پرسیده شد که فاطمه برتر است یا خدیجه؟

ص: ۳۸

---

۱- سبل الهدی والرشاد، الصالحی الشامی، باب جمع ابواب خصائصه صلی الله علیه و آله و سلم، الباب الاول، ج ۱۱، ص ۱۰۴ و ص ۱۰۷. همچنین ر.ک: الروض الأنف، عبدالرحمن بن عبدالله السهیلی، ج ۲، ص ۲۷۹، باب اسلام خدیجه بنت خویلد.

جواب داد که هیچ کسی با پاره تن رسول خدا برابری ندارد و سهیلی می گوید: این برداشت ابوبکر بن داود، برداشت صحیحی است. و زمانیکه ابا لبابه خودش را به ستون بست و قسم یاد کرد که طناب را باز نمی کند مگر اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بگویند، فاطمه نزد او آمد و درخواست باز کردن طناب ها را نمود اما او به درخواست فاطمه علیها السلام توجه نکرد؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او گفت: «فاطمه پاره تن من است» و مراد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این بوده که سخن او سخن من می باشد.

همچنین او در قسمتی دیگر از کتابش، کلام برخی از علمای اهل سنت را نقل می کند که همین معنا را می رساند. او می گوید:

وقال القاضی قطب الدین الخیضری رحمه الله فی الخصائص بعد أن ذکر کلاما طویلا فی التفضیل بین خدیجه و مریم، إذا علمت ذلك، فینبغی أن یستثنی من إطلاق التفضیل سیدتنا فاطمه ابنة رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فهی أفضل نساء العالم، لقوله: «فاطمه بضعه منی ولا یعدل بضعه رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - أحد» ... قال الشیخ تفی الدین المقریزی فی الخصائص النبویه فی کتابه إمتاع الاسماع: ...

واحتمل تفضیل فاطمه علیها، وعلی غیرها من النساء، لقوله صلی الله علیه و آله و سلم: «فاطمه بضعه منی»، وبضعه النبی لا یعدل بها شی وهو أظهر الاحتمالات لمن أنصف.

وقال الزرکشی فی الخادم عند قول الرافعی والنووی: "وتفضیل زوجاته صلی الله علیه و آله و سلم علی سائر النساء" ما نصه: هل المراد نساء

هذه الامه أو النساء كلهن؟ فيه خلاف، حكاة الروياني ويستثنى من الخلاف سيدتنا فاطمه، فهي أفضل نساء العالم، لقوله صلى الله عليه وآله وسلم: "فاطمه ولا يعدل بوضع من رسول الله أحد، وفي الصحيح: بضعه مني «أما ترضين أن تكوني خير نساء هذه الامه» انتهى. (١)

«قاضی قطب الدین خیضری در کتاب خود، پس از بیان تفضیل بین خدیجه و مریم، چنین می گوید: لازم است که در بحث برتری مریم و خدیجه بر یکدیگر، بانویمان فاطمه را استثنا کنیم؛ چرا که فاطمه برترین بانوان است [حتی از خدیجه و مریم] و این سخن نیز به دلیل سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشد که فرمود: فاطمه پاره تن من است؛ که در این صورت احدی با زهرای اطهر علیها السلام برابری نمی کند.

همچنین مقریزی در کتاب خود می گوید: به دلیل پاره تن بودن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، فاطمه بر دیگر زنان برتری دارد و کسی با بضعهالنبی برابر نیست. زرکشی نیز در ذیل کلام رافعی و نووی که بحث از برتری زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر دیگر زنان می باشد، چنین می گوید:

در اینکه مراد برتری زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر تمام زنان عالم می باشد یا تنها زنان امت اسلام، بحث و نظر است. اما رویانی، فاطمه علیها السلام را از این اختلاف استثناء کرده و معتقد است که در هر دو صورت، فاطمه زهرا علیها السلام از این سخن استثنا می باشد و او بر تمام زنان، حتی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برتری دارد. چرا که ایشان پاره تن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می باشد.

ص: ۴۰

---

۱- سبل الهدی والرشاد، الصالحی الشامی، جماع أبواب ذکر أزواجه صلی الله علیه و آله و سلم، الباب الثانی، ج ۱۲، ص ۵۲.

آلوسی هم در تفسیر خود، ذیل آیه ۴۲ آل عمران چنین می گوید:

والذی أمیل إلیه أن فاطمه البتول أفضل النساء المتقدمات والمتأخرات من حیث إنها بضعه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بل ومن حیثیات آخر أيضاً، ولا یعکر علی ذلك الأخبار السابقه لجواز أن یراد بها أفضلیه غیرها علیها من بعض الجهات وبحیثیه من الحیثیات وبه یجمع بین الآثار وهذا سائغ علی القول بنبوه مریم أيضاً إذ البضعیه من روح الوجود وسید کل موجود لا أراها تقابل بشیء وأین الثریا من ید المتناول...<sup>(۱)</sup>

«آن چه که نظر من است برتری فاطمه بر تمامی زنان امت های گذشته و آینده است چرا که او پاره تن رسول خدا می باشد و البته دلایل دیگری نیز وجود دارد. و اخباری که بیان می کند برخی از زنان، دارای فضیلتی از جهاتی و حیثیاتی می باشند، نمی توانند روایات برتری حضرت زهرا علیها السلام بر تمام عالمیان را خدشه دار کنند و بدین وسیله میان این روایات جمع کرده و تناقضی نمی بینیم و اینکه ایشان پاره تن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می باشد، از مقام نبوت مریم هم [اگر قائل باشیم] بالاتر است؛ چرا که پاره تن آقای عالمیان و روح جهان مقامی است که هیچ فضیلتی با آن برابری نمی کند.»

جالب است که آلوسی، امتیاز پاره تن نبی بودن زهرا اطهر علیها السلام را بالاتر از امتیاز نبوت مریم می داند (البته اگر نظریه نبوت مریم قابل قبول باشد) و همین سخن را ذیل آیه ۳۲ احزاب نیز بیان می کند.<sup>(۲)</sup>

ص: ۴۱

---

۱- روح المعانی، آلوسی، ج ۲، ص ۱۴۹.

۲- روح المعانی، آلوسی، ج ۸، ص ۱۸۵.



۵) آیات بسیاری در قرآن وجود دارد که بنابر نقل های صحیح در کتب اهل سنت، مخصوص صدیقه طاهره و اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می باشد؛ آیاتی مانند آیه مودت - که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اجر رسالت خودش را حب اهل البیت علیهم السلام به ویژه حضرت زهرا علیها السلام قرار داده است- و یا آیه تطهیر- که بنا بر این آیه، عصمت حضرت فاطمه علیها السلام اثبات می گردد- و یا روایاتی از قبیل حدیث عایشه، «که من پس از رسول خدا، صادق تر از زهرا ندیدم»- و این، خود دلالت بر صدیقه بودن بانوی اول اسلام دارد- و همچنین روایت ثقلین- که زهرا علیها السلام را همگام با قرآن می داند[ضمیمه ۲]-.

تمام این ها در کنار صدها روایتی که در مقام ایشان نقل شده، هر خواننده منصفی را بدین سمت سوق می دهد که ایشان در علم، تقوا و عصمت چیزی کمتر از مریم ندارد؛ بلکه در مواردی امتیازاتی را دارا است که بنت عمران از آن ها بی بهره است، مانند اینکه ایشان پاره تن اشرف مخلوقات عالم، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم محسوب می شود و همچنین، مادر موعودی است که برقرار کننده عدل و احسان بر روی زمین است؛ زیرا حتی اگر اختلاف اهل سنت با شیعیان- در مورد اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از نسل امام حسن علیه السلام می دانند- در نظر بگیریم، در این مطلب شکی نیست که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل فاطمه علیها السلام می باشد؛ همان منجی موعودی که بنا بر نظر شیعیان و اهل سنت، عیسی بن مریم در نمازش به او اقتدا خواهد

کرد. به عنوان نمونه، می توان به سنن ابی داوود و تفسیر کشاف مراجعه نمود که چنین آورده اند:

– حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الرَّقِّيِّ حَدَّثَنَا أَبُو الْمَلِيحِ الْحَسَنُ بْنُ عَمْرِو بْنِ زِيَادِ بْنِ بِيَانٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ نَفِيلٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيْبِ عَنْ أُمِّ سَلْمَةَ قَالَتْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - يَقُولُ «الْمَهْدِيُّ مِنْ عِترَتِي مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ» (۱)

آلبانی این حدیث را صحیح می داند. «پیامبر فرمودند: مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه است.»

– أن عيسى عليه السلام ينزل على ثنيه بالأرض المقدسه يقال لها أفيق وعليه ممصرتان، وشعر رأسه دهين، وبیده حربه، وبها يقتل الدجال، فيأتي بيت المقدس والناس في صلاة الصبح والإمام يؤم بهم، فيتأخر الإمام فيقدمه عيسى ويصلي خلفه على شريعته محمد عليه السلام، ثم يقتل الخنازير ويكسر الصليب، ويخرب البيع والكنائس، ويقتل النصارى إلا من آمن به

«عيسى عليه السلام پس از نزولش و کشتن دجال به بیت المقدس می آید، در حالی که مردم، برای اقامه نماز صبح، مهیا هستند. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به ایشان اشاره می کند که نماز را اقامه کند، اما عیسی علیه السلام امام را بر خود مقدم کرده و پشت سر امام نماز می خواند.» (۲)

این مطلب از نگاه عالمی همچون سهیلی دور نمانده و می گوید:

ص: ۴۳

---

۱- سنن ابی داود، کتاب المهدی، ج ۴، ص ۳۰۷.

۲- کشاف زمخشری، ذیل آیه ۶۱ زخرف.

«و من سُوددها أيضاً أنّ المهدي المبشر به آخرالزمان من ذرّيتها، فهي مخصوصه بهذا كلّه و الأحاديث الواردة في أمر المهدي كثيرة.»

«و از جمله دلایل برتری فاطمه بر زنان عالم این است که، همانا مهدی بشارت داده شده در آخرالزمان، از فرزندان اوست. و این امتیاز و دیگر فضائل مخصوص این بانوی بزرگوار می باشد. و احادیثی که در مورد مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده بسیار زیاد است.»<sup>(۱)</sup>

۶) روایاتی نیز در کتب اهل سنت وجود دارد که تمامیت بحث ما را می رساند:

- زکریا بن أبی زائد عن فراس عن الشعبي عن مسروق عن عائشه رضی الله عنها: أن النبي صلى الله عليه و آله و سلم قال و هو في مرضه الذي توفي فيه: «يا فاطمه ألا ترضين أن تكوني سيدة نساء العالمين و سيدة نساء هذه الأمة و سيدة نساء المؤمنين؟»<sup>(۲)</sup>

«پيامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ای فاطمه! آیا راضی نمی شوی که سرور زنان در دو دنیا و سرور زنان امت من و سرور زنان مؤمنه باشی؟»

- أخبرنا أبو القاسم بن يمان بن محمد بن الفضل وأبو مضر رشيد بن محمد بن الحسن بن علي بن أيوب وأبو بكر ذاكر بن

ص: ۴۴

---

۱- الروض الأنف، سهيلي، ج ۲، ص ۲۷۹.

۲- المستدرک علی الصحيحين، حاکم نیشابوری، باب مناقب فاطمه، ج ۳، ص ۱۷۰، ح ۴۷۴۰.

أحمد بن عمر بن أبي بكر الكركاس وأبو جعفر محمد بن الحسين بن محمد بن [ الحسين ] الصافي وأم النجم نورسي بنت أبي الوفاء عبيدالله بن محمود قالوا عن أبو عبد الله القاسم بن الفضل بن أحمد الثقفي ح وعن أبو محمد بن طاوس عن أبو الحسين أحمد بن عبد الرحمن بن محمد الذكواني قالاً عن أبو الفرج عثمان بن أحمد بن إسحاق البرجي عن محمد بن عمر بن حفص نا إسحاق بن إبراهيم شاذان عن سعد بن الصلت عن مقاتل عن الضحاک عن ابن عباس عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم قال:

«أربع نسوة سادات عالمهن مريم بنت عمران وآسيه بنت مزاحم امرأة فرعون وخديجه بنت خويلد وفاطمه بنت محمد وأفضلهن عالما فاطمه» (۱)

«از ابن عباس نقل شده است که پیامبر فرمودند: چهار زن برترین زنان عالمشان هستند، مريم، آسيه، خديجه وفاطمه؛ وفاطمه، برترین آنها در عالم است.»

در این روایت، تصریح شده است که فاطمه عليها السلام برتر از دیگر زنان عالم می باشد؛ چرا که پس از ذکر نام چهار بانوی بزرگوار، از میان ایشان، حضرت زهرا عليها السلام به عنوان برترین بانو معرفی می شود.

و همچنین مؤلف کتاب فرائد السمطين در ضمن يك حديث طولانی از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم، به نقل از سعيد بن جبیر، از ابن عباس چنین می گوید:

ص: ۴۵

«و اما ابنتى فاطمه فانها سيده نساء العالمين من الاولين والآخرين و هى بضعه منى و هى نور عينى و هى ثمره فؤادى و هى روحى التى بين جنبى و هى الحوراء الانسيه متى قامت فى محرابها بين يدى ربها جل جلاله زهر نورها لملائكته السماء كما يزهر نور الكواكب لاهل الارض و يقول الله عزو جل لملائكته يا ملائكتى انظروا الى أمتى فاطمه سيده إمائى قائمه بين يدى ترعد فرائصها من خيفتى و قد اقبلت بقلبها على عبادتى اشهدكم أنى قد أمنت شيعتها من النار. وأنى لما رايتها ذكرت ما يصنع [بها] بعدى كأنى بها و قد دخل الذل بيتها و انتهكت حرمتها و غصب حقها و منعت ارثها و كسر جنبها و اسقطت جنبها و هى تنادى يا محمداه فلا تعجب و تستغيث فلا تغاث فلا تزال بعدى محزونه مكروبه باكيه فتذكر انقطاع الوحي من بيتها مره و تتذكر فراقى اخرى و تستوحش اذا جنبها الليل لفقد صوتى التى كانت تستمع اليه اذا تهجدت بالقرآن ثم ترى نفسه ذليله بعد ان كان فى ايام ابيها عزيزه و عند ذلك يؤنسها الله تعالى فيناديها بما نادى به مريم ابنه عمران فيقول: يا فاطمه ان الله اصطفاك و طهرك و اصطفاك على نساء العالمين يا فاطمه اقتنى لربك واسجدى وار كعى مع الراكعين...» (١) [ضميمه ٣]

ص: ٤٦

---

١- فرائد السمطين، شيخ الاسلام جوينى، ج ٢، ص ٣٤، باب السابع من السمط الثانى. شيخ الاسلام جوينى از شيوخ و اساتيد ذهبى (از محدثين بزرگ اهل سنت) مى باشد و ذهبى در شرح حال او و جلالت مقامش چنين آورده است: «الامام الكبير المحدث صدر الدين ابو الجامع الخراسانى الجوينى الصوفى ... ..سمع بخراسان و بغداد والشام و الحجاز. و كان ذا اعتناء بهذا الشأن و على يده اسلم الملك غازان.» (معجم محدثى ذهبى، ص ٥٠، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٤١٣هـ)

«اما دخترم فاطمه، همانا او برترین بانوان دو عالم است از اولین زنان تا آخرین آنها و او پاره تن من است... حرمت او را هتک، و حق و ارثش را غصب می کنند و پهلویش را می شکنند و کودک او را سقط می کنند و او فریاد می زد یا محمداه! از مردم کمک می طلبد اما کسی او را یاری نمی کند... سپس او خود را خوار و بی یاور می بیند، بعد از ایام شوکت و عزتی که در زمان من داشت. در آن زمان، خدای متعال، انیس او شده و ... همان ندایی را که بر مریم فرستاد، به او هم اعلام می کند: ای فاطمه! خدا تو را برگزید و پاک قرار داد و بر تمامی زنان عالم برتری داد».

نکته:

همچنین در فرائدالسمطين حدیثی نقل شده است، مبنی بر این که خلقت زمین و آسمان به برکت زهراى مرضیه علیها السلام می باشد؛ که این، خود دلالت بر برتری صدیقه کبری علیها السلام بر مریم می نماید:

عن العلاء بن عبدالرحمن عن ابيه عن ابي هريره عن النبي صلى الله عليه وآله انه قال: .. قال آدم: يا رب هل خلقت احدا من طين قبلى؟ قال: لا- يا آدم. قال: فمن هؤلاء الخمسه الاشباح الذين اراهم فى هيئتي و صورتى؟ قال: هؤلاء الخمسه من ولدك لولاهم ما خلقتك هؤلاء الخمسه شققت لهم خمسه

ص: ۴۷

اسماء من اسمائی، لولا هم ما خلقت الجنة والنار و لا العرش و لا الكرسي و لا السماء و لا الارض و لا الملائكة و لا الانس و لا الجان... (۱)

«آدم به خدای متعال گفت: پروردگارا! آیا قبل از من کسی را از گل آفریده ای؟ خدا فرمود: خیر. آدم گفت: پس این پنج شبخ نورانی چه کسانی هستند؟ خداوند فرمود: این ها از فرزندان تو هستند، که اگر این ها نبودند، تو و بهشت و جهنم و کرسی و عرش و زمین و آسمان و انسان ها و اجنه و ملائکه را خلق نمی کردم.»

(۷) کلماتی که علمای اهل سنت ذکر کرده اند:

و نعم ما قال الإمام مالك و لا أفضل أحدا علی بضعه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم (۲)

ملا علی قاری حنفی پس از توضیح روایت «فاطمه پاره تن من است»، از امام مالک چنین نقل می کند: نمی توان کسی را برتر از پاره تن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیدا کرد.»

مناوی نیز به نقل از دیگران، چنین می آورد:

- العلقمی: هی أفضل الصحابه حتی من الشيخین (۳)

«علقمی می گوید: فاطمه برترین صحابه است، و ایشان حتی برتر از خلیفه اول و دوم می باشد.»

- و ذکر العلم العراقي أن فاطمه وأخاها إبراهيم أفضل من

ص: ۴۸

---

۱- فرائد السمطين، شيخ الاسلام جويني، ج ۱، ص ۳۶، الباب الاول.

۲- مرقاه المفاتيح، ملا علی قاری، باب مناقب اهل البيت، ج ۱۱، ص ۲۹۲.

۳- فیض القدير، مناوی، ج ۳، ص ۱۰۷، حرف الهمزه ح ۱۳۰۷ و ج ۲، ص ۵۳، ش ۱۳۰۷.

«عالمی برجسته مانند عراقی می گوید: همانا فاطمه و برادرش ابراهیم، برتر از خلفای چهار گانه مسلمین هستند.»

مناوی همچنین می گوید:

لكن قال بعضهم: لا- أعدل بضعه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم أحدا وممن صار إلى ذلك: المقریزی والسيوطی  
أفضليتها على نساء هذه الأمة: أما نساء هذه الأمة فلا ريب في تفضيلها عليهن مطلقا بل صرح غير واحد أنها وأخوها إبراهيم  
أفضل من جميع الصحابه حتى الخلفاء الأربعة (٢)

«مقریزی و سیوطی اعتقاد به برتری زهرا علیها السلام بر تمامی زنان عالم دارند و می گویند: کسی با پاره تن رسول خدا صلی  
الله علیه و آله و سلم برابر نمی باشد. و افراد متعددی تصریح نموده اند که او و برادرش ابراهیم، حتی برتر از خلفای چهار گانه  
می باشد.»

احمد زینی دحلان شافعی - که مفتی شافعی در مکه بوده است - چنین می گوید:

ذكر تزويج فاطمه بنت رسول الله بعلی، و هی الزهرا و البتول افضل نساء الدنيا حتى مریم رضی الله عنها كما اختاره المقریزی و  
الزرکشی و الحافظ السيوطی فی کتابیه شرح النقایه و شرح جمع الجوامع بالادله الواضحه التي منها ان هذه الامه افضل من  
غيرها و الصحيح ان مریم لیست نبیه بل حکمی

ص: ٤٩

---

١- فیض القدير، مناوی، ج ٤، ص ٤٢١، حرف الفاء، ح ٥٨٣٥.

٢- اتحاف السائل، مناوی، الباب الرابع فی خصائصها ومزاياها علی غيرها، ص ٨٧.



«زهره علیها السلام برترین زنان در دو عالم می باشد، حتی بر مریم؛ همان گونه که مقریزی، زرکشی و سیوطی \_ در دو کتاب شرح النقایه و جمع الجوامع \_ اعتقاد دارند افضل در این امت، برتر از افضل در دیگر امت هاست و قول صحیح این است که مریم بنت عمران نبی نبوده است.»

کلماتی نیز در موارد قبلی ذکر شد که از تکرار آنها پرهیز می کنیم.

در پایان بخش دوم، کلامی از مطالب السؤل نقل می کنیم. مؤلف، مطالب بسیاری در مدح اهل البیت و زهره علیها السلام دارد که جای دقت و تأمل است؛ لذا فرازی از مطالب کتاب را متذکر می شویم:

اعلم ان رسول الله صلی الله علیه و آله قد حکم بصفه الکمال لكل واحده من هؤلاء الاربع مریم و آسیه و خدیجه و فاطمه فکل واحده منهن کامله فی ذاتها و قد اختصت فاطمه دونهن بحصول اسباب تفتضی علو درجاتها فی صفتها علی رفیقاتها لم تحصل لواحد منهن فتكون باعتبار تلك الزیاده اکمل منهن. و بیان ذلك ان صفه الکمال ثابتة لكل واحد من اصلیها: رسول الله و خدیجه. اما کمال رسول الله و الیه المنتهی و هو

ص: ۵۰

---

۱- حاشیه کتاب « السیره الدحلانیه » اثر علی بن برهان الدین الحلبی، کتاب « السیره النبویه والآثار المحمدیه » اثر السید احمد زینی مشهور به دحلان می باشد که این مطالب از باب « ذکر تزویج فاطمه » در کتاب احمد زینی الدحلان، ج ۲ ص ۷ نوشته شده است. این کتاب در کتابخانه مسجد اعظم موجود می باشد.

الغايه القصوى و اما خديجه فقد ثبت كما لها بالحديث المذكور والولد جزء من الابوين، فتضاف الى كمال فاطمه لذاتها زياده من كمال ابيها و كمال امها فتكون اكمل النساء على الاطلاق و في ذلك دلاله شافيه و تبصره كافيه. (1)

«بدان كه رسول خدا حكم كرد بر وجود كمال در چهار تن از زنان عالم؛ مریم، آسیه، خديجه و فاطمه. كه هر يك داراي كمال ذاتي هستند؛ اما فاطمه داراي كمال بالاتر از آنهاست و اكمل آنها محسوب مي شود؛ چرا كه او از طرف پدر و مادر نيز داراي كمال است، آن هم، پدري مانند حضرت محمد صلى الله عليه و آله و سلم و مادري مانند خديجه. پس فاطمه هم كمال ذاتي دارد و كمالات پدر و مادرش را دارد به اين دليل كاملترين و برترين زنان از گذشته تا آينده است.»

ص: ۵۱

---

۱- مطالب السؤل في مناقب آل الرسول، محمد بن طلحه النصبی الشافعی، ص ۵۷.



بخش سوم: نقد و بررسی ادله برتری مریم علیها السلام

اشاره

ص: ۵۳

در تعارض با دلایل برتری زهرای مرضیه علیها السلام، احادیثی از اهل سنت در فضیلت حضرت مریم و عایشه نقل شده که به گمان نگارنده، هیچ یک دلالت بر برتری این دو از زهرای مرضیه علیها السلام ندارد. در این بخش به بررسی دلایل ذکر شده در برتری مریم بنت عمران و توضیح پیرامون آنها می پردازیم.

### الف. آیه ۴۲ سوره آل عمران

«وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛

و فرشتگان گفتند: ای مریم! همانا خداوند تو را برگزید و پاکیزه گردانید، و بر زنان جهان، برتری بخشید.»

فخر رازی و قرطبی در تفاسیر خود به این بحث پرداخته اند و این چنین گفته اند:

- وهذه الآية دلت على أن مريم عليها السلام أفضل من الكل و قول من قال المراد إنها مصطفاه على عالمي زمانها، فهذا ترك الظاهر(1)

«و این آیه، افضل بودن مریم بر تمام زنان را دلالت می کند و نظر کسانی که مراد از عالمین را، عالم زمان مریم علیها السلام می دانند، خلاف ظاهر آیه است.»

- فظاهر القرآن والأحاديث يقتضي أن مريم أفضل من جميع نساء العالم من حواء إلى آخر امرأه تقوم عليها الساعة(2)

«ظاهر قرآن و احادیث، برتری مریم از تمام زنان، از حوا تا زمان قیامت را دلالت می کند.»

در جواب به این استدلال و برداشت از آیه شریفه به دو مطلب باید توجه نمود:

- مراد از عالمین، عالم زمان مریم بنت عمران است

با توجه به نظر اکثر مفسران اهل سنت پیرامون این آیه و تأیید این برداشت در روایات شیعه و سنی، حضرت مریم، تنها، برگزیده بر زنان عصر و دوران خودش بوده و این برتری نسبت به تمامی زنان پس از او نمی باشد. پس نمی توان با توجه به این آیه، مقام مریم را برتر از زهرای مرضیه علیها السلام دانست؛ چنانکه عباراتی از کتب اهل سنت، بر این موضوع تصریح دارند:

- (واصطفاك) اختارك (على نساء العالمين) عالمي زمانك

ص: ۵۵

---

۱- تفسیر فخر رازی، ج ۸، ص ۴۳، ذیل آیه.

۲- تفسیر قرطبی، ج ۴، ص ۸۳، ذیل آیه.

«اختیار کرد خداوند تو را بر زنان زمان خودت»

- (واصفافاك على نساء العالمين)، یعنی: اختارک علی نساء العالمین فی زمانک بطاعتک ایاہ، ففضلک علیہم (۲)

«مراد از (نساء العالمین)، یعنی: برگزید تو را بر زنان زمان خودت [نه تمام زمان ها]»

- «حدَّثنا علی بن الحسین، ثنا الهيثم بن اليمان، ثنا الحكم، عن السَّيِّدِي: واصطفاك على نساء العالمين قال: على نساء ذلك الزمان الذي هم فيه (۳)

سدى می گوید: مراد از آیه این است که مریم برگزیده زنان زمان خود می باشد.

- «قوله تعالى: وإذ قالت الملائكة: يا مريم إنَّ الله اصطفاك فيه قولاً: أحدهما: اصطفاهَا على عالمی زمانها، وهذا قول الحسن (۴)

مراد از برگزیدگی در آیه، برگزیدگی بر زنان عصر خودش می باشد. و این نظر و عقیده صحیحی می باشد.

واصفافاك على نساء العالمين في وقتك (۵)

ص: ۵۶

۱- تفسیر ابن عباس، ج ۱، ص ۵۹، ذیل آیه.

۲- تفسیر طبری، ج ۳، ص ۲۶۲، ذیل آیه.

۳- تفسیر ابن ابی حاتم، ج ۲، ص ۴۹۶، ذیل آیه.

۴- تفسیر النکت و العیون الماوردی، ج ۱، ص ۲۳۱، ذیل آیه.

۵- تفسیر القشیری، ج ۱، ص ۳۱۲، ذیل آیه.

مراد این است که خدا تو (مریم) را بر زنان هم عصرت برتری داد.

- (یا مریم إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ) أَى: بما لطف لك حتى انقطعت إلى طاعته (وطهرتك) من ملامسه الرِّجال والحيض (واصطفاك على نساء العالمين) على عالمى زمانك(١)

- (وَ اذْكَرْ اِذْ قَالَتِ الْمَلَكَةُ) اى جبريل (يامريم إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ) اختارك (وَ طَهَّرَكِ) من مسيس الرجال (واصطفاك على نساء العالمين) اى أهل زمانك(٢)

- وأخرج عبد بن حميد وابن جرير وابن المنذر وابن أبي حاتم عن مجاهد فى قوله (إن الله اصطفاك وطهرتك) قال: جعلك طيبه ايماناً. وأخرج ابن حاتم عن السدى (وطهرتك) قال: من الحيض (واصطفاك على نساء العالمين) قال: على نساء ذلك الزمان الذى هم فيه(٣)

- قال ابن عزيز: أَى: عالمى دهرها، كما فضِّلْتُ خديجه وفاطمه بنت رسول الله على نساء أمه محمد صلى الله عليه وآله وسلم (٤)

- (عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ): عالمى زمانها ولا يحزر غيرها(٥)

- والمراد بالعالمين هنا قيل: نساء عالم زمانها، وهو الحق(٦)

ص: ٥٧

١- الوجيز للواحدى، ج ١، ص ٨٧، ذيل آيه.

٢- تفسير جلالين، ج ١، ص ٣٣٤، ذيل آيه.

٣- درالمشور، ج ٢، ص ٣٢٢، ذيل آيه.

٤- البحر المديد، ج ١، ص ٢٧٧، ذيل آيه.

٥- الكشف والبيان للثعلبى، ج ٣، ص ٧٧، ذيل آيه.

٦- فتح القدير، شوکانى، ج ١ ص ٣٣٨.



شوکانی در بیانی دیگر می گوید:

وفی المعنی احادیث کثیره و کلها تفید ان مریم علیها السلام سیده نساء عالمها لا نساء جمیع العالم و یؤیده ما أخرجه ابن عساکر عن مقاتل عن الضحاک عن ابن عباس عن النبی قال «اربع نسوه سادات نساء عالمهن مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد و افضلهن عالما فاطمه» (۱)

«احادیث بسیاری در تأیید این معنا وجود دارد که مریم، سرور زنان زمان خود بوده است نه تمام زمانها، و می توان به روایت ابن عساکر استناد کرد که می گوید: از بین تمامی زنان، چهار زن برتر از همه هستند و از میان آن چهار نفر، فاطمه برترین در عالم است.»

اینگونه تفسیر از معنای «عالمین» سابقه داشته و مفسران در کتب تفسیر، ذیل آیه «یا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنْتِي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» (۲) بدین نکته اشاره کرده اند مفسران اهل سنت و شیعه و در مورد آن، به این مطلب پایبند بوده و هستند که مراد از برگزیدگی بنی اسرائیل بر عالمین، مطلق زمان ها نمی باشد، بلکه به همان عصر و دوران خودشان نظر دارد.

ص: ۵۸

---

۱- فتح القدير، شوکانی، ج ۱ ص ۳۴۰، ذیل آیه.

۲- بقره، ۴۷.

در این باره می توان به تفاسیر ذیل اشاره نمود:

قال قتاده وابن زيد وابن جريج وغيرهم: المعنى على عالم زمانهم الذى كانت فيه النبوءه المتكرره والملك، لأن الله تعالى يقول لأمه محمد صلى الله عليه وآله وسلم: «كنتم خير أمه أخرجت للناس»<sup>(۱)</sup>

«مراد از عالمین، عصر و دوران خودشان می باشد نه تمام زمان ها؛ چرا که خدای متعال به امت پیامبر اسلام می گوید: شما برترین امت ها هستید.»

همچنین ابن کثیر در تفسیر خود چنین می گوید:

يذكرهم تعالى سَيِّئَاتِهِمْ نِعْمَةً عَلَى آبَائِهِمْ وَأَسْلَافِهِمْ، وَمَا كَانَ فَضْلُهُمْ بِهِ مِنْ إِسْرَافِ الرِّسَالِ مِنْهُمْ وَإِنْزَالِ الْكِتَابِ عَلَيْهِمْ وَعَلَى سَائِرِ الْأُمَمِ مِنْ أَهْلِ زَمَانِهِمْ، كَمَا قَالَ تَعَالَى: وَلَقَدْ اخْتَرْنَا لَهُمْ عَلَى عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ (۲) وَقَالَ تَعَالَى: (وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ أذكروا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ) (۳)

وقال أبو جعفر الرازي، عن الربيع بن أنس، عن أبي العالیه، فى قوله تعالى: (وَآتَى فَضْلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ) قال: بما أعطوا من الملك والرسول والكتب على عالم من كان فى ذلك الزمان؛ فإن لكل زمان عالما.

و روى عن مجاهد، والربيع بن أنس، وقتاده، وإسماعيل بن

ص: ۵۹

---

۱- المحرر الوجيز، ابن تمام بن عطيه، ج ۱، ص ۷۳، ذيل آيه ۴۷، سوره بقره.

۲- دخان، ۳۲.

۳- مائده، ۲۰.

أبي خالد نحو ذلك، ويجب الحمل على هذا؛ لأن هذه الأمة أفضل منهم؛ لقوله تعالى خطاباً لهذه الأمة: (كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ) (١) وفي المسانيد والسنن عن معاوية بن حيدة القشيري، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: (أنتم توفون سبعين أمة، أنتم خيرها وأكرمها على الله). والأحاديث في هذا كثيرة تذكر عند قوله تعالى: (كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ) (٢)

«خداوند، نعمت های خود را بر یهودیان و آباء آنها یادآوری می کند و اینکه آنها را به واسطه فرستادن پیامبران متعدد و کتب آسمانی مختلف، بر سایر امت های زمان خودشان برتری داد. همانگونه که در آیات قرآن بدان اشاره فرموده است.

همچنین محدثین در تفسیر آیه «و أنى فضلتكم على العالمين» چنین می گویند: آنها را با توجه به فرستادن رسولان بسیار و کتب متعدد بر اهل آن زمان برتری دادیم [نه مطلق زمان ها]، چرا که برای هر زمانی، عالمی است. و از مجاهد، ربیع بن انس، قتاده و اسماعیل بن ابی خالد چنین ذکر شده و لازم است که مراد از «عالمین» را مخصوص اهل زمان خودشان بگیریم؛ چرا که خداوند، امت اسلام را برترین امت ها معرفی نموده است. همانگونه که خدای

ص: ۶۰

---

۱- آل عمران، ۱۱۰.

۲- تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۲۵۵، ذیل آیه.

متعال می فرماید: «شما بهترین امت ها هستید».

و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به امت اسلام فرمودند: شما بهتر و عزیزترین امت ها نزد خدا هستید و احادیث بسیاری در این زمینه وارد شده است.»

فخر رازی نیز به تفصیل به این نکته، اشاره، و دلایلی متعدد در اختصاص برتری بنی اسرائیل به اهل زمان خودشان بیان می کند.

أما قوله تعالى: (وَأَنى فضلتكم على العالمين) ففيه سؤال وهو: أنه يلزم أن يكونوا أفضل من محمد وذلك باطل بالاتفاق.... فالآية تدل على أن بنى إسرائيل فضلوا على العالمين في أمر ما وهذا لا يقتضى أن يكونوا أفضل من كل العالمين في كل الأمور، بل لعلهم وإن كانوا أفضل من غيرهم في أمر واحد فغيرهم يكون أفضل منهم فيما عدا ذلك الأمر. (1)

«اما در مورد این سخن خدای متعال که فرمود: «شما بنی اسرائیل را بر عالم برتری دادیم، آیا لازمه آن این است که آنها برتر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و امت او هستند؟ این سخن به اتفاق همه علما باطل است. پس آیه دلالت می کند که آنها به خاطر داشتن برخی امتیازات، بر اهل زمان خود برتری داشتند، نه بر تمام امت ها و از تمام جهات.»

در تأیید این مطلب - که مریم، بانوی زنان زمان خودش بوده است - روایاتی نیز ذکر شده که می توان به برخی از این روایات اشاره

ص: ۶۱

---

۱- تفسیر فخر رازی، ج ۳، ص ۵۲، ذیل آیه. فخر رازی دو دلیل برای اثبات سخن خود، ذکر می کند.

حدثنا هرون بن إسحق الهمداني حدثنا عبده بن هشام بن عروه عن أبيه عن عبد الله بن جعفر قال: سمعت علي بن أبي طالب يقول سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يقول خير نساءها خديجه بنت خويلد وخير نساءها مريم ابنة عمران قال وفي الباب عن أنس و ابن عباس و عائشه.

وهذا حديث حسن صحيح، قال الشيخ الألباني: صحيح. (١)

«عبدالله بن جعفر می گوید: علی علیه السلام فرمودند که از رسول خدا شنیدم که فرمود: بهترین زنان [این دوران] خدیجه، و بهترین زنان [عصر گذشته] مریم بنت عمران می باشد».

این روایت توسط ترمذی و آلبانی صحیح شمرده شده است.

پس از اینکه ذهبی همین حدیث را در سیر اعلام النبلا ذکر می کند، شعیب ارنووط (محقق کتاب) چنین می گوید:

اخرجه البخاری فی فضائل اصحاب النبی باب تزویج النبی خدیجه و فضلها و مسلم فی فضائل الصحابه باب فضائل خدیجه و الترمذی فی المناقب. وقوله خير نساءها قال القرطبي (الضمير عائد على غير مذکور لکنه يفسره الحال والمشاهده يعنى به

ص: ٦٢

---

١- سنن ترمذی، باب فضل خدیجه، ج ٥، ص ٧٠٢. همچنین ر. ک: تفسیر طبری، ذیل آیه ٤٢ ال عمران و معجم الکبیر، طبرانی، ج ٢٢، ص ٤١٧، ش ١٠٣٠.

الدنيا) والمعنى ان كل واحد منهما خير نساء الارض في عصرها. (۱)

«این حدیث را بخاری، مسلم و ترمذی ذکر کرده اند و مراد از «خیر نساءها» این است که هر یک، بهترین زنان در عصر و زمانه خودش می باشد.»

ابن حجر نیز - که از شارحان معروف صحیح بخاری می باشد و شرح او از جمله کتب معتبر محسوب می گردد - در تبیین این روایت چنین آورده است:

والَّذِي يَظْهَرُ لِي أَنَّ قَوْلَهُ " خَيْر نَسَائِهَا " خَيْر مَقْدَمٍ وَالضَّمِير لِمَرْيَمَ فَكَأَنَّهُ قَالَ مَرْيَمَ خَيْر نَسَائِهَا أَي نَسَاءَ زَمَانِهَا، وَكَذَا فِي خَدِيجَةَ. وَقَدْ جَزَمَ كَثِيرٌ مِنَ الشَّرَّاحِ أَنَّ الْمُرَادَ نَسَاءَ زَمَانِهَا لَمَّا تَقَدَّمَ فِي أَحَادِيثِ الْأَنْبِيَاءِ فِي قِصَّةِ مُوسَى وَذَكَرَ آسِيَةَ مِنْ حَدِيثِ أَبِي مُوسَى رَفَعَهُ " كَمَلٌ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرٌ وَلَمْ يَكْمَلْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَرْيَمُ وَآسِيَةُ " فَقَدْ أُثْبِتَ فِي هَذَا الْحَدِيثِ الْكَمَالَ لِآسِيَةَ كَمَا أُثْبِتَ لِمَرْيَمَ، فَامْتَنَعَ حَمْلُ الْخَيْرِيَّةِ فِي حَدِيثِ الْبَابِ عَلَى الْإِطْلَاقِ، وَجَاءَ مَا يَفْسِّرُ الْمُرَادَ صَرِيحًا. (۲)

«آنچه که در روایت، ظاهر است اینکه عبارت «خیر نساءها»

ص: ۶۳

---

۱- سیر اعلام النبلا، ذهبی، ج ۲، ص ۱۱۳، پاورقی.

۲- فتح الباری، ابن حجر، ج ۷، ص ۱۳۵، باب مناقب خدیجه. هم چنین می توان شبیه به همین مطالب را در ج ۶، ص ۴۷۱، باب احادیث الانبیاء، تفسیر آیه ۴۲ سوره آل عمران نیز، مشاهده نمود. همچنین ر.ک: سلسله مصابیح الهدی، محمد بن ابراهیم بن حسان، باب فضائل خدیجه علیها السلام.

خبر مقدم است و مراد از ضمیر «ها» در عبارت، به مریم بنت عمران بر می گردد و مراد این است که «مریم، بهترین زنان زمان خود است» و به این سخن، اکثر شارحین حدیث معتقدند. و بنا بر اینکه آسیه نیز همچون مریم دارای کمال می باشد، نمی توان برتری مریم را به صورت مطلق تفسیر نمود. [بلکه این برتری مخصوص زمان خودش می باشد].»

از دیگر تأییدات بر اینکه برتری مریم علیها السلام، محدود به قوم بنی اسرائیل و عصر خود بوده، می توان به آن دسته روایتی اشاره کرد که ایشان را «سیده نساء بنی اسرائیل» می داند:

ومنها حصول الرزق لها من عند الله كما «روى عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم أنه جاع في زمن قحط فأهدت له فاطمه رضى الله عنها رغيفين وبضعه لحم أثرته بها فرجع بها إليها وقال: هلمى يا بنیه. فكشفت عن الطبق فإذا هو مملوء خبزاً ولحماً فبهتت وعلمت أنها نزلت من عند الله. فقال النبي لها: أنى لك هذا؟ قالت: هو من عند الله. إن الله يرزق من يشاء بغير حساب. فقال صلى الله عليه وآله وسلم: الحمد لله الذى جعلك شبيهة سيدة نساء بنى إسرائيل. ثم جمع على بن أبى طالب والحسن والحسين وجميع أهل بيته حتى شبعوا وبقي الطعام كما هو، فأوسعت فاطمه على جيرانها» وفى أمثال هذه الخوارق من غير الأنبياء دليل على صحه الكرامات من الأولياء(۱)

ص: ۶۴

---

۱- تفسیر نیشابوری، ج ۲، ص ۲۴۹، ذیل آیه ۳۷ سوره آل عمران و درالمنثور، سیوطی، ج ۲، ص ۳۱۵، همان آیه. همچنین ر.ک: الکشاف زمخشری، ج ۱، ص ۲۷۲؛ تفسیر روح المعانی، آلوسی، ج ۳، ص ۹؛ أنوار التنزیل، بیضاوی، ج ۱، ص ۳۴۰ و تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۳۶.

«روزی در ایام قحطی، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نزد فاطمه زهرا سبیدی پر از غذا دیدند و فرمودند: این غذاها از کجا آمده؟ فاطمه جواب داد: اینها از جانب خدای متعال می باشد. پس پیامبر فرمودند: شکر برای خدایی که تو را مانند سرور زنان بنی اسرائیل قرار داد.»

- برگزیدگی مریم بنت عمران، به دلیل تولد حضرت عیسی علیه السلام بدون داشتن همسر

مطلب بسیار مهمی که اینجا وجود دارد و از دید بسیاری از مفسرین نیز پنهان نمانده است، برگزیدگی مریم، تنها از جهت تولد عیسی علیه السلام بدون تماس با بشری می باشد، نه از جهات دیگر؛ و همانگونه که خواهد آمد، مفسرین، مراد از دومین «اصطفاک» را به این معنا گرفته اند، و قید «علی النساء العالمین» را نیز به آخرین متعلق [یعنی دومین اصطفاک] که نزدیک به آن عبارت است، بر می گردانند و این مطلب با آن روایاتی که مریم را بین زنان زمان خودش، برگزیده می دانند نیز هماهنگی دارد. این وجه تفاوت او با دیگر زنان در تمام دورانها، فضیلتی برای ایشان است؛ اما دلیل برتری محسوب نمی شود. خصوصاً با توجه به این مطلب که حضرت زهرا علیها السلام جهات برتری بسیاری دارد که هیچ یک از آنها در مریم بنت عمران نیست.



مفسرین اهل سنت در بیان این مطلب چنین می گویند:

- (واصفافک) یعنی واختارک، (علی نساء العالمین) بالولد من غیر بشر(۱)

«(واصفافک) یعنی خداوند تو را اختیار کرد از میان تمامی زنان عالم، به دلیل تولد فرزندی بدون اینکه بشری با تو تماس داشته باشد.»

والاصطفاء الثانی لولاده المسیح(۲)

«برگزیدگی دوم، به خاطر ولادت عیسی بن مریم می باشد.»

واصفافک علی نساء العالمین فی وقتک. وفائده تکرار ذکر الاصطفاء: الأول اصطفافک بالکرامه والمرتله وعلو الحاله والثانی اصطفافک بأن حَمَلت بعیسی علیه السلام من غیر أب، ولم تشبهک امرأه - ولن تشبهک - إلى یوم القیامه، ولذلك قال (عَلَى نَسَاءِ الْعَالَمِينَ) (۳)

«استفاده از کلمه (اصطفافک) برای بار دوم، جهت حمل عیسی علیه السلام بدون داشتن پدری است و هیچ زنی از این جهت به مریم شباهت ندارد و از این روی، خدا فرمود: (علی نساء العالمین)»

البتة طنطاوی بیشترین بیان را در این زمینه دارد. او در تفسیر

ص: ۶۶

---

۱- تفسیر مقاتل، ذیل آیه.

۲- تفسیر ماوردی، ذیل آیه.

۳- تفسیر قشیری، ج ۱، ص ۳۱۲، ذیل آیه؛ همچنین ر.ک: تفسیر کشاف، زمخشری و تفسیر نیشابوری، ذیل همین آیه.

خود می گوید:

یا مریم (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ) أى اختارك واجتباك لطاعته، وقبلك لخدمه بيته (وَوَهَّبَكَ) من الأذناس والأقذار، ومن كل ما يتنافى مع الخلق الحميد، والطبع السليم (واصطفاك على نساء العالمين) بأن وهب لك عيسى من غير أب دون أن يمسسك بشر. وجعلك أنت وهو آية للعالمين.

قال الفخر الرازى ما ملخصه: وأما الاصطفاء الثانى فالمراد به أنه - تعالى - وهب لها عيسى من غير أب، وجعلها وابنها آية للعالمين."

ولا شك أن ولادتها لعيسى من غير أب ودون أن يمسهها بشر، هو أمر اختلفت به مریم ولم تشاركها فيه امرأه قط فى أى زمان أو مكان، فهى أفضل النساء فى هذه الحثيه. أما من حيث قوه الإيمان، وصلاح الأعمال فيجوز أن يحمل اصطفاؤها على نساء العالمين على معنى تفضيلها على عالمى زمانها من النساء وبعضهم يرى أفضليتها على جميع النساء فى سائر الأعصار هذا وقد أورد ابن كثير عدداً من الأحاديث التى وردت فى فضل مریم وفى فضل غيرها من النساء، ومن ذلك ما أخرجه الشيخان عن على بن أبى طالب أنه قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يقول: "خير نساءها مریم بنت عمران، وخير نساءها خديجه بنت خويلد".<sup>(١)</sup>

ص: ٦٧

---

١- تفسير الوسيط، طنطاوى، ج ٢، ص ١٠٢.

«ای مریم! (ان الله اصطفاك) یعنی تو را برگزید تا او را عبادت کرده و خدمت کنی (و طهرک) و پاک کرد تو را از پلیدی ها و از هرچه که مخالف اخلاق نیکو باشد (و اصطفاک علی نساء العالمین) و تو را بر دیگر زنان برتری داد با این امر که بدون مسّ بشری باردار شدی و عیسی علیه السلام متولد گردید. و تو و فرزندت را نشانه ای برای جهانیان قرار داد.

همچنین فخر رازی می گوید:

«برگزیدگی دوم و مراد از اصطفای دوم این است که خداوند به او فرزندی عنایت فرمود، بدون اینکه توسط مردی لمس گردد.»

شکی نیست که تولد حضرت عیسی علیه السلام بدون وجود پدر، امری است مختص به حضرت مریم علیها السلام و هیچ زنی در این قضیه مانند او نیست و مریم از این حیث از دیگر زنان، متمایز است. اما از نظر ایمان و تقوا و عبادت، برتری او مخصوص زنان عصر خود می باشد، نه تمام دوران ها. و نظر برخی که برگزیدگی او را برای تمام دوران ها می دانند، نمی توان پذیرفت؛ همانگونه که ابن کثیر، روایات متعددی را در فضل و برتری مریم و دیگر زنان آورده است. از آن جمله روایات، این است که علی علیه السلام می فرماید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که خدیجه، بهترین زنان زمان خود و مریم نیز بهترین زنان زمان خودش بوده است.»

نتیجه اینکه در تفسیر آیه ۴۲ آل عمران، نمی توان به کلام قرطبی و امثال او در استدلال به این آیه شریفه توجه نمود. زیرا:

الف) روایات بسیاری دلالت بر محدود بودن برتری و برگزیدگی مریم علیها السلام در عصر خود دارد.

ب) قید برگزیدگی او بر دیگر زنان، تنها از این جهت است که بدون تماس با بشری، عیسی بن مریم را به دنیا آورده است.

ج) دلایل بسیاری در برتری و امتیاز صدیقه طاهره علیها السلام بر همه زنان عالم، حتی مریم بنت عمران وجود دارد.

د) اگر برتری مریم بنت عمران را بر حضرت زهرا علیها السلام بپذیریم، باید برتری حضرت خدیجه علیها السلام بر حضرت زهرا علیها السلام را نیز قبول کنیم؛ در حالیکه هیچ یک از علمای شیعه و سنی به این مطلب اعتقاد ندارد.

ص: ۶۹

## ب. روایت «انت سیده نساء اهل الجنة الا مریم البتول»

حدثنا أبو جعفر محمد بن علي بن دحيم الصايغ بالكوفة، ثنا محمد بن الحسين بن أبي الحسين، عن علي بن ثابت الديان، عن منصور بن أبي الأسود، عن عبد الرحمن بن أبي نعم، عن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال: قال رسول الله: «فاطمه سیده نساء أهل الجنة، إلا ما كان من مریم بنت عمران»<sup>(۱)</sup>

«ابی سعید خدری گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: فاطمه علیها السلام برترین زنان بهشتی است و تمام ویژگی های برتری و فضیلت را دارد؛ جز در آن خصوصیتی که به صورت ویژه در مریم بنت عمران بوده است. (مراد، بارداری ایشان بدون تماس با بشری می باشد)

روایت فوق با اسناد متفاوت و طریق های گوناگون در کتب اهل سنت آمده است؛ که در مجموع، می توان به پنج طریق اشاره کرد:

۱. علی علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

۲. فاطمه زهرا علیها السلام

۳. ام سلمه

۴. عایشه

۵. ابوسعید خدری

ص: ۷۰

---

۱- المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، باب مناقب فاطمه علیها السلام، ج ۳، ص ۱۶۸، ح ۴۷۱۶.

در روایت های بسیاری که از طریق این افراد نقل شده، سه متن متفاوت بیان شده است:

۱. فاطمه سیده نساء اهل الجنة الا ما جعل الله لمريم ابنة عمران... (۱)

فاطمه، برترین زنان بهشتی است و تمام خصوصیات منحصر به فرد را دارد؛ جز در آن خصوصیتی که خدای متعال در مریم، دختر عمران قرار دارد. (یعنی بارداری بدون لمس بشری)

۲. فاطمه سیده نساء اهل الجنة الا ما كان من مريم ابنة عمران. (۲)

۳. فاطمه سیده نساء اهل الجنة الامريم بنت عمران. (۳)

اکثر سندهای ذکر شده در منابع روایی اهل سنت، دارای ضعف و عدم اعتبار است؛ اما به دلیل اعتبار سند نقل شده در کتاب المستدرک علی الصحیحین، این روایت، نزد علمای اهل

ص: ۷۱

---

۱- تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج ۷۰، ص ۱۱۳، باب مریم بنت عمران.

۲- سنن الکبری، نسایی، ج ۵، ص ۹۵، ش ۵۱۴ و تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج ۷۰، ص ۱۱۳، باب مریم بنت عمران.

۳- جزء فضائل فاطمه، ابن شاهین، ص ۱۷، ح ۵۴ و الأحاد و المثانی ابن ابی عاصم، ج ۵، ص ۱۴۰، باب فاطمه؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۷۰۱، باب فضایل فاطمه؛ تفسیر طبری، ذیل آیه ۴۲ ال عمران و فرائد السمطین، جوینی، ج ۲، ص ۴۲، الباب التاسع من السمط الثانی.

## n دلالت روایات

علمای عامه، در نگاه اول با توجه به احادیثی مانند «یا فاطمه ألا ترضین أن تکونی سیده نساء العالمین و سیده نساء هذه الأمة و سیده نساء المؤمنین» حکم به برتری صدیقه طاهره علیها السلام بر تمامی زنان می کنند؛ اما برخی از آنان، با توجه به روایات «... الا مریم بنت عمران» از نظر خود برگشته و حکم به برتری مریم داده اند.

باید توجه داشت که برای حل تعارض ابتدایی بین احادیثی که زهرای مرضیه علیها السلام را سیده نساء عالمین می دانند و روایاتی که حضرت مریم را از دیگر زنان، استثنا می کنند، نمی توان حدیث دوم را قید برای حدیث اول شمرد و با توجه به قوانین عموم و خصوص، آن را مقید نمود و نتیجه گرفت که فاطمه علیها السلام بر تمامی زنان عالم برتری دارد، جز مریم بنت عمران. بلکه جمع این روایات و حل مشکل تعارض، بدین صورت است که کلمه «إلا» دلالت بر برتری مریم ندارد؛ بلکه نهایتاً تساوی و همرده بودن را طرح می کند.

بهترین قرینه بر این معنا، روایات و تفسیر مفسران و دلایلی عقلی است که در بخش قبل ذکر نمودیم؛ مبنی بر این که مریم علیها السلام برترین زنان دوران خودش بوده است و در این صورت، او حتی بر ام المؤمنین

خدیجه نیز برتری ندارد، چه رسد به زهرای اطهر علیها السلام. روشن است که در صورت تفضیلی معنا کردن (الا)، و بالاتر دانستن مریم از زنان تمام دوران ها، تعارض این دست روایات با روایاتی که زهرا علیها السلام را سیده عالمیان معرفی می کند، باقی خواهد ماند.

از این روست که برخی علمای اهل سنت، به این مطلب اشاره نموده و برای حل تعارض، «إلا» را به معنای تسویه (هم رده بودن) آورده اند. از این جمله، می توان به سخن محمد عبد الرحمن بن عبد الرحیم المبارکفوری صاحب کتاب تحفه الاحوذی بشرح جامع الترمذی اشاره نمود که چنین می گوید:

الاستثناء یحتمل التساوی و یحتمل العکس فی الفضل، وقیل لعلّه ورد قبل أن یوحی إلیه صلی الله علیه و آله و سلم بفضل فاطمه علی نساء العالمین (۱)

« احتمال دارد استثناء در این جا به معنای تساوی باشد... و برخی چنین می گویند که این روایت، مربوط به زمانی است که فضیلت و برتری فاطمه علیها السلام بر تمامی زنان عالم، به پیامبر وحی نشده بوده است.»

همچنین در عمده القاری چنین آمده است:

هذا يدل علی أن فاطمه و مریم أفضل هذه الأربع ثم یحتمل الاستثناء أن تكون مریم أفضل من فاطمه و یحتمل أن تكونا علی السواء فی الفضیله (۲)

ص: ۷۳

- 
- ۱- تحفه الاحوذی، محمد المبارکفوری، ج ۱۰، ص ۲۹۶، باب فضل ازواج النبی، ح ۳۸۲۸.
  - ۲- عمده القاری، عینی، باب قول الله تعالی ضرب الله مثلا للذین امنوا امراه فرعون، ج ۱۵، ص ۳۰۹.



«این سخن، دلالت دارد که فاطمه و مریم، برترین زنان هستند. پس استثناء در روایت می تواند بیانگر برتری مریم و یا تساوی مریم و فاطمه باشد».

مطلب ذکر شده، در صورتی است که «إلا» را به صورت استثنای متصل و به معنای تسویه بگیریم؛ اما می توان آن را به معنای (واو) نیز گرفت و روایت را حمل بر تساوی این دو بانوی بزرگوار نمود. (البته این در صورتی است که نظر نحویونی مانند اخفش را در معنای واوی «إلا» بپذیریم).

در این باره، ابن هشام نحوی چنین می گوید:

والثالث: أن تكون عاطفه بمنزله الواو في التشريك في اللفظ والمعنى، ذكره الأخفش والفراء وأبو عبيده،<sup>(۱)</sup>

معنای سوم برای الّا- این است که معنای واو عاطفه را دارد و این نظر برخی علمای نحو همچون: أخفش، فراء و أبو عبیده می باشد.

نگارنده معتقد است، در صورت استثنا معنا کردن «إلا»، نه تنها این روایت دلالت بر برتری مریم بنت عمران ندارد، بلکه به برتری مقام حضرت زهرا علیها السلام اشاره می کند، چرا که این روایت، نکته ای ظریف را بیان کرده که برگرفته از همان آیه ۴۲ سوره آل عمران می باشد.

ص: ۷۴

---

۱- مغنی اللیب، ابن هشام، باب إلیا.

در تفسیر آیه تذکر دادیم و سخنانی از مفسران اهل سنت را نیز آوردیم، مبنی بر این که برگزیدگی و اصطفا‌ی دوم به تولد حضرت عیسی علیه السلام بدون پدر اشاره دارد، و این حدیث نیز به پیروی از آن آیه، به همین نکته توجه داده است.

اگر به روایات مشابه «... الا- مریم» توجه کنیم، در برخی از آنها جمله «... الا- ما جعل الله لمریم» و یا «... الا ما كان من مریم» آمده است. بنا بر روایاتی که در صفحات قبل ذکر شد، و مریم را برترین زنان عصر خود معرفی کردند، مراد از «ما» ی موصوله در این روایات، نمی تواند برتری مقام و جایگاه او باشد؛ بلکه اشاره به خصوصیتی ویژه برای مریم، نسبت به دیگر زنان دارد و معنای حدیث را به این صورت، ارائه می دهد:

«فاطمه برترین زنان اهل بهشت است و تمامی فضائل و خصوصیات منحصر به فرد را دارد؛ جز آن موردی که خدا در مریم قرار داد، یعنی داشتن فرزندی بدون مسّ بشر.»

و در گذشته بیان کردیم که این ویژگی، به تنهایی نمی تواند دلیلی برای برتر بودن مریم باشد؛ چرا که حضرت زهرا علیها السلام نیز دارای خصوصیات متعددی بوده و هیچ یک از آن امتیازات در مریم علیها السلام وجود ندارد.

نکته ای دیگر که مانع از آن می شود که این روایت را دلیل برتری مریم بدانیم، این است که در صورت پذیرش این روایت، باید به

مطلبی باطل و رد شده از نظر تمامی فرق اسلامی و علمای اهل سنت، اعتقاد پیدا کرد؛ چرا که اگر حضرت زهرا علیها السلام بر همه برتری دارد جز بر مریم علیها السلام، و از طرف دیگر، مریم و خدیجه علیهما السلام در یک رتبه و مقام هستند، در نهایت باید قائل شویم که زهرا علیها السلام برترین بانوان است جز بر مریم و خدیجه علیها السلام؛ در حالیکه هیچ یک از فرق اسلامی (چه شیعه و چه سنی) این مطلب را نه بیان کرده و نه می پذیرد و همگان به برتری زهرا علیها السلام بر حضرت خدیجه علیها السلام اذعان دارند.

در نتیجه، آن دسته از روایاتی که مریم بنت عمران را استثنا نموده است، نه تنها با دلایل متقن برتری صدیقه طاهره علیها السلام بر مریم تعارض دارد، بلکه دارای یک نتیجه باطل نیز هست (برتری حضرت خدیجه علیها السلام بر حضرت زهرا علیها السلام) که پذیرش روایت را غیر ممکن می نماید.

### ج. روایت «سيدات اهل الجنة بعد مريم بنت عمران فاطمه و خديجه و آسيه امراه فرعون»

بر خلاف حدیث سابق که در مصادر شیعی، موجود نبود شبیه حدیث فوق را در ارشاد القلوب دیلمی می توان یافت (۱)؛ لکن این حدیث، از نظر شیعیان اعتباری ندارد، چرا که مرفوعه می باشد و سند آن ذکر نشده است.

این روایت به چند سند و متن، در کتب اهل سنت آمده است:

– حدثنا أحمد قال: عن أبو جعفر قال: نا عبد العزيز بن محمد الدراوردي، عن إبراهيم بن عقبه، عن كريب، عن ابن عباس قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: «سيدات نساء أهل الجنة، بعد مريم ابنة عمران: فاطمه و خديجه، ثم آسيه امراه فرعون»

لم يرو هذا الحديث عن إبراهيم إلا الدراوردي، ولا يروى عن ابن عباس إلا بهذا الإسناد (۲).

«ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمودند: برترین زنان بهشتی بعد از مريم بنت عمران؛ فاطمه، خديجه و آسيه همسر فرعون می باشند. این روایت را جز در اوردي کسی از ابراهيم بن عقبه نقل نکرده است و از ابن عباس نیز جز

ص: ۷۷

---

۱- ارشاد القلوب، دیلمی، ص ۱۷۵.

۲- معجم الاوسط، طبرانی، باب الالف، من اسمہ احمد، ج ۲، ص ۲۳. همچنین ر.ک: معجم الکبير، طبرانی، باب العين، احاديث ابن عباس، ج ۱۱، ص ۴۱۵.

به این سند، روایت را نقل نکرده اند.

- ابن أبي شيبه عن عبد الرحمن بن أبي لیلی فاطمه سیده نساء العالمین بعد مریم ابنه عمران و آسیه امرأه فرعون و خدیجه ابنه خویلد (۱)

فاطمه، برترین زنان بهشتی است بعد از مریم بنت عمران، و آسیه و خدیجه.»

برخی از اهل سنت بنا بر این روایت و با توجه به کلمه «بعد» به برتری حضرت مریم علیها السلام بر حضرت زهرا علیها السلام قائل شده و ویژگی خاصی برای مریم بنت عمران در نظر گرفته اند.

جا دارد که قبل از پرداختن به متن روایت، به نکته ای قابل تأمل، پیرامون سند آن پردازیم.

این روایت، تنها به دو سند و طریق، در روایات اهل سنت وارد شده که فرد مورد انتقاد در سند اول، «عبدالعزیز بن محمد الدراوردی» و در سند دوم، «شریک بن عبدالله النخعی» می باشد.

در مورد سند اول، سخن طبرانی چنین است:

لم یرو هذا الحدیث عن ابراهیم الا الدراوردی و لا یروی عن ابن عباس الا بهذا الاسناد (۲)

«این روایت را کسی جز دراوردی [عبدالعزیز بن محمد] از

ص: ۷۸

---

۱- مصنف ابن أبي شيبه، ج ۶، ص ۳۸۸، ح ۳۲۲۷۳، ما ذکر فی فضل فاطمه و سند روایت چنین است: شریک، ابی فروه، عبدالرحمن بن ابی لیلی، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم .

۲- معجم الکبیر، طبرانی، باب العین، ج ۱۱، ص ۴۱۵.

ابراهیم بن عقبه نقل نکرده و از ابن عباس نیز فقط به این سند، روایت آمده است».

گویا طبرانی قصد دارد علاوه بر تأکید بر تک بودن سند روایت و نقل از ابن عباس، عدم اطمینان به درآوردی را نیز تذکر دهد.

ابتدا به بررسی احوال این دو راوی، اشاره و سپس به تبیین روایت خواهیم پرداخت.

اگرچه علمای علم رجال اهل سنت، الدراوردی را ثقه دانسته اند اما خطا در نقل حدیث و فراموش کاری را به او نسبت داده و همین ویژگی از ارزش روایات منفرد او \_ که کسی جز او نقل نکرده است \_ می کاهد؛ علاوه بر این که این روایت، با ادله معارضش، توان برابری ندارد. رجالیون در مورد او چنین گفته اند:

و قال ابو زرعه: سىء الحفظ و قال الفلاس: حدث ابن مهدى عنه يحدث واحد... وعن احمد قال: كان الدراوردى اذا حدث من حفظه يهيم، ليس هو بشيء. و اذا حدث من كتابه فنعيم. قال ابو حاتم. لا يحتج به. (۱)

«ابوزرعه می گوید: فراموش کار بوده و حافظه اش قوی نیست. فلاس می گوید: ابن مهدی تنها یک روایت از او نقل کرده است.

از احمد بن حنبل نقل گردیده است: درآوردی اگر از روی حافظه اش روایتی نقل کرد اعتبار ندارد و توجهی نمی شود.

ص: ۷۹

اما اگر از روی نوشته اش خواند، قبول می کنیم. ابو حاتم نیز می گوید: به روایاتش توجهی نمی شود.»

مزی نیز پس از ذکر سخن رجالیون اهل سنت، پیرامون این شخص، اشاره به کم حافظه بودن و اشتباه او در نقل روایت می کند.

وقال النسائي فيما قرأت بخطه: عبدالعزيز الدراوردي ليس بالقوي.

وقال محمد بن سعد:... كثير الحديث يغلط. و ذكره ابن حبان في الثقات و قال: كان يخطيء (1)

«نسائی می گوید: عبد العزیزی در آوردی، راوی قوی ای نیست و محمد بن سعد نیز چنین می گوید: روایات بسیار دارد و غلط در نقل او هست. ابن حبان نیز اگرچه او را راستگو دانسته اما می گوید: خطا در نقل حدیث دارد.»

وضعیّت شریک بن عبدالله النخعی نیز همچون در آوردی بوده و اگرچه او را راستگو می دانند، اما دارای اشتباه در نقل حدیث معرفی کرده اند.

ذهبی در مورد او چنین می گوید:

على لين ما في حديثه. توقف بعض الائمة عن الاحتجاج بمفاريده...

قال: ابراهيم بن سعيد الجوهري: اخطأ شريك في اربع مئة حديث.

ص: ۸۰

قال عباس: ... كان يحيى القطان لا يحدث عن هذين. [اسرائيل وشريك]

قال معاوية بن صالح الأشعري... سألت احمد بن حنبل عن شريك، فقال: كان عاقلاً، صدوقاً، محدثاً، فقلت له: اسرائيل أثبت منه؟ قال: نعم. قلت له، يحتج به؟ قال: لا تسألني عن رأيي في هذا. قلت: فاسرائيل يحتج به؟ قال: اي لعمري.

قال ابويعلى: سمعت ابن معين يقول: شريك ثقة الا انه يغلط و لا يتقن. و قال الدار قطنى: ليس شريك بقوى فيما ينفرد به. (1)

«در حدیثش دچار اشتباه و تسامح است و برخی از ائمه حدیث، به روایت هایی که تنها او نقل کرده، توجه نمی کنند. ابراهیم بن سعید جوهری می گوید: شریک در چهار صد روایت اشتباه و خطا رفته است.

عباس می گوید: یحی القطان از اسرائیل و شریک، روایتی را نقل نمی کرد [و به آن ها اعتماد نداشت].

معاویه بن صالح گوید: از احمد بن حنبل در مورد شریک سؤال کردم؟ او گفت: شریک محدثی عاقل و ثقة است. پس از او پرسیدم: آیا اسرائیل از او در نقل حدیث بهتر است؟ گفت: بله. به او گفتم: آیا به روایات شریک توجهی در استدلال کردن می شود؟ گفت: نظر مرا در این زمینه نخواهید. گفتم: آیا به روایت های اسرائیل استدلال می شود؟ گفت: بله.

ابويعلى گوید: يحيى بن معين در مورد شريك چنین

ص: ۸۱



می گفت: شریک ثقه است اما روایاتش اشتباه دارد و متقن نیست. دارقطنی هم گوید: شریک در نقل حدیث هایی که تنها او روایت کرده، مورد اعتماد نیست.»

گویا با توجه به این سخنان است که حاشیه نویسان بر کتاب سیر اعلام النبلاء، در پذیرش روایات او تردید دارند و روایات او را ضعیف می دانند.<sup>(۱)</sup> ذهبی نیز سخنی قطعی در مورد او بیان نکرده و گویا در روایات او توقف می کند:

اقوالهم فیه کثیره و تکلموا فی سوء حفظه و اختلاطه و تشیعه و تدلیسه...

الحاصل انه مختلف فیه، و العلم عندالله تعالی، و یکتب حدیثه للاختبار...<sup>(۲)</sup>

«اقوال و نظرات مختلفی در مورد او وجود دارد و در نقل اشتباه روایات و کمی حافظه و تغییر دادن لفظ روایات، به او نسبت هایی داد اند.»

در مجموع اختلاف در مورد او زیاد است و تنها خدا می داند که روایات او معتبر هست یا نه. روایات او برای کسب اطلاع از یک موضوع نوشته می شود اما حجیت آن محل بحث می باشد.

نکته ای که در کتاب سیر اعلام النبلاء از احمد بن حنبل

ص: ۸۲

---

۱- ر. ک: سیر اعلام النبلاء، ذهبی، ج ۱، ص ۵۳۷ و ص ۵۳۸؛ ج ۴، ص ۳۱، و... چاپ موسسه الرساله.

۲- من تکلم فیه و هو مؤثق، ذهبی، ج ۱، ص ۱۷۶، ش ۱۶۰.

نقل شده، جای تأمل دارد. احمد بن حنبل اگرچه شریک را ثقه می داند، اما در جواب به این سؤال که «آیا می توان به روایات او استدلال نمود؟» سکوت را ترجیح می دهد. و این مسئله، ناشی از اشتباهات شریک در نقل روایت است؛ به ویژه این که ذهبی به این مطلب، تصریح نموده که تعدادی از علمای رجال به روایت های او اعتنا نمی کنند.

در حاشیه تهذیب الکمال سخن تنی چند از علما را چنین آورده است:

قال عبد الله بن احمد: سالت ابي: ايما احب اليك شريك عن ابي اسحاق عن البهي، او زائده عن السدي عن البهي؟ قال: زائده عن السدي عن البهي احب الي و كان شريك لا يبالي كيف حدث

قال يعقوب بن سفيان: سئل ابو عبدالله احمد بن حنبل قيل: فشريك او اسرائيل؟ قال: ... ليس على شريك قياس، كان يحدث الحديث بالتوهم.

قال ابن سعد: كان شريك ثقه، مامونا، كثيراً الحديث، و كان يغلط كثيراً.

و قال الترمذي شريك كثير الغلط. قال ابن حجر في التقريب: صدوق يخطيء كثيراً. (۱)

«عبد الله بن احمد گوید: از پدرم احمد بن حنبل پرسیدم که

ص: ۸۳

طریق نقل شریک از ابی اسحاق از بهی برای شما اعتبار دارد و مقبول است یا زائده از سدی از بهی؟ ایشان پاسخ داد: زائده از سدی از بهی... چرا که شریک توجه ندارد که چگونه روایت را نقل می کند. یعقوب بن سفیان می گوید: از احمد بن حنبل پرسیدم که شریک بهتر است یا اسرائیل؟

پاسخ داد: اسرائیل... شریک در نقل حدیث گرفتار توهم و اشتباه می شود.

ابن سعد می گوید: اگرچه شریک ثقه است و روایت زیاد نقل نموده، لکن اشتباهاتش بسیار می باشد.

ترمذی نیز می گوید: شریک دارای اشتباهات بسیار در نقل حدیث می باشد و ابن حجر نیز همین سخن را دارد.»

با توجه به این که این روایت، بیش از دو طریق نداشته و در هر دو طریق، افرادی وجود دارد که به روایات آن ها با تردید نظر می شود \_ به ویژه اینکه روایات آن ها مشابهی در روایات دیگر محدثین ندارد \_ و همچنین، برخی علمای اهل سنت، همچون احمد بن حنبل، یحیی القطان، دارقطنی و ذهبی، به روایات این افراد توجهی نکرده و آن ها را قابل استدلال نمی دانسته اند تمسک به این روایات، سخت به نظر می آید و مطمئناً نمی تواند با روایاتی که حداقل زهرای مرضیه علیها السلام را هم رده با مریم بنت عمران می داند مقایسه نمود. لذا در مقام تعارض، قابلیت توجه را ندارند. [\(۱\)](#)

ص: ۸۴

---

۱- ر.ک: شرح التبصره و التذکره، الحافظ ابوالفضل العراقي، ص ۲۰۰.

به ویژه اینکه در روایت شریک بن عبدالله، حضرت زهرا علیها السلام بعد از خدیجه و آسیه علیها السلام قرار داده شده و به یقین، این سخن اشتباه بوده و طرفداری میان اهل سنت و شعیان ندارد.

با این اوصاف، چگونه ممکن است روایات «بعد مریم بنت عمران» را پذیرفت، در حالیکه نه تنها اتقان سندی ندارد و در مورد برخی از راویان آن‌ها، مذمت‌هایی وارد شده است، بلکه با عقل، نقل و آیه ۴۲ آل عمران نیز سازگاری ندارند، و وجهی جهت ترجیح آنها بر روایات معارض دیده نمی‌شود. به علاوه اینکه در صورت پذیرش این روایت، همان لازمه باطلی که از قبول روایت «الا مریم» به وجود می‌آید، در این جا نیز مطرح خواهد شد.

### د. روایت «سيدات نساء أهل الجنة مريم بنت عمران ثم فاطمه بنت محمد ثم خديجه ثم آسيه امراه فرعون»

این روایت در کتاب های معتبر اهل سنت، همچون صحیح بخاری و مسلم ذکر نشده و اولین منبعی که آن را ذکر کرده، معجم الکبیر طبرانی است. این روایت در معجم الکبیر چنین آمده:

حدثنا علي بن عبد العزيز حدثنا الزبير بن بكار حدثني محمد بن حسن عن عبد العزيز بن محمد عن موسى بن عقبه عن كريب عن ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «سيدات نساء أهل الجنة مريم بنت عمران ثم فاطمه بنت محمد ثم خديجه ثم آسيه امراه فرعون» (۱)

«ابن عباس از پیامبر نقل کرده است: سرور زنان بهشتی، مريم بنت عمران، سپس فاطمه، سپس خديجه و پس از آن ها آسيه است.»

در استيعاب نیز این چنین ذکر شده:

وذكر الزبير عن «محمد بن حسين» عن الدراوردي، عن موسى بن عقبه عن كريب عن ابن عباس قال: قال رسول الله: «سيدة نساء العالمين مريم ثم فاطمه ثم خديجه ثم آسيه» (۲)

ص: ۸۶

---

۱- معجم الکبیر، طبرانی، باب ذکر أزواج رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم منهن، مناقب خديجه، ج ۲۳، ص ۷.

۲- الاستيعاب، ابن عبد البر، باب ذکر خديجه بنت خويلد عليها السلام، ج ۲، ص ۸۸.

البته باید توجه داشت که در سند کتاب استیعاب، اشتباه و تصحیفی صورت گرفته است؛ چرا که طبرانی در معجم الکبیر و ابن عساکر در تاریخ مدینه دمشق (۱) و تمامی کسانی که حدیث را از این منابع نقل نموده اند، پس از «زبیر» نام «محمد بن الحسن» را آورده و هیچ یک، محمد بن الحسین نگفته اند.

نگارنده پس از تفحص بسیار، به ویژه در کتاب معجم الکبیر، روایتی دیگر که در آن اشاره به لفظ «ثم فاطمه» شده باشد نیافت؛ اما نویسنده تفسیر السراج المنیر و کتاب اتحاف السائل، روایتی را از طبرانی نقل کرده اند که در آن، پس از نام مریم، «ثم خدیجه» و سپس «ثم فاطمه»، ذکر شده است. نویسندگان این کتب، این چنین به توجیه این روایت پرداخته اند:

فإن قيل: روی الطبرانی: «خیر نساء العالمین مریم بنت عمران ثم خدیجه بنت خویلد ثم فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ثم آسیه امرأه فرعون» أجیب: بأنّ خدیجه إنما فضلت فاطمه باعتبار الأمومه لا باعتبار السیاده. (۲)

«اگر گفته شود که طبرانی گفته است: برترین زنان عالم، مریم، سپس خدیجه و سپس فاطمه می باشد. [و نام فاطمه را از نظر رتبه و جایگاه، بعد از خدیجه ذکر کرده است]

ص: ۸۷

---

۱- تاریخ دمشق، ابن عساکر، ج ۷۰، ص ۱۰۷، بابتی که در مورد مریم بنت عمران سخن می گوید.

۲- تفسیر السراج المنیر، محمد الشربینی، ذیل آیه ۴۲ آل عمران.

جواب می دهیم که تقدم خدیجه به جهت آن است که او مادر فاطمه می باشد، نه از این نظر که او مقامش بالاتر از فاطمه است.»

همین سخن را مناوی نیز بیان می کند:

أنها أفضل هذه الأمة: روى أحمد والحاكم والطبرانی عن أبي سعيد الخدري - بإسناد صحيح مرفوعاً - (فاطمه سیده نساء أهل الجنة إلا مريم). وفي روايه صحيحه: (إلا ما كان من مريم بنت عمران) فعلم أنها أفضل من أمها خديجه وما وقع في الأخبار مما يوهم أفضليتها؛ فإنما هو من حيث الأمومه فقط. وعن عائشه - علي الصحيح - بل الصواب (1)

زهرا عليها السلام برترین این امت است. احمد بن حنبل، حاکم و طبرانی، روایت های برتری ایشان را ذکر کرده اند. از این روایات، برتری زهرا بر مادر بزرگوارشان خدیجه نیز فهمیده می شود و اگر از برخی روایات، برتری خدیجه به مشام می رسد، از جهت مقام مادر بودن خدیجه است. و مقام ایشان مطمئناً برتر از عایشه می باشد.

به هر روی، برخی از اهل سنت، با توجه به کلمه «ثم»، چنین برداشت کرده اند که مراد از روایت، برتری مريم بنت عمران بر زهراى مرضيه عليها السلام می باشد.

اما قبل از بررسی متن روایت، لازم است که نکته ای در مورد سند

ص: ۸۸

---

۱- اتحاف السائل بما لفاطمه من المناقب، مناوی، الباب الرابع فی خصائصها ومزایاها علی غیرها، ص ۸۵.

آن متذکر شویم.

در تمامی سندهای روایت، نام «محمد بن الحسن» وجود دارد، که مراد از آن «محمد بن الحسن زباله» می باشد و این شخص در رجال اهل سنت، هیچ اعتباری ندارد و از این روی، روایت را غیر معتبر می دانیم. مزی در تهذیب الکمال ذیل نام او چنین می آورد:

محمد بن الحسن بن زباله، وهو محمد بن الحسن بن أبی الحسن القرشی المخزومی المدنی... قال معاویه بن صالح: قال لی یحیی بن معین: محمد ابن الحسن الزبالی والله ما هو بثقه.

وقال هاشم بن مرثد الطبرانی، عن یحیی بن معین: ابن زباله کذاب خبیث لم یکن بثقه ولا مأمون یسرق.

وقال البخاری: عنده مناکیر.

قال ابن معین: کان یسرق الحدیث.

وقال أحمد بن صالح المصري: کتبت عنه مئه ألف حدیث ثم تبین لی أنه کان یضع الحدیث فترکت حدیثه. وقال إبراهیم بن یعقوب الجوزجانی: لم یقنع الناس بحدیثه. وقال أبو زرعه: واهی الحدیث.

وقال أبو حاتم: واهی الحدیث، ذاهب الحدیث، ضعیف الحدیث، عنده مناکیر، منکر الحدیث....

وقال أبو عیید الآجری: سمعت أبا داود یقول: کذابا المدینه: محمد بن الحسن بن زباله، ووهب بن وهب أبو البختری، بلغنی أنه کان یضع الحدیث باللیل علی السراج.

ص: ۸۹



وقال النسائي: متروك الحديث.

وقال في موضع آخر: ليس بثقه ولا يكتب حديثه. (1)

«معاوية بن صالح می گوید: یحیی بن معین در مورد او چنین گفته است: قسم به خدا، محمد بن حسن مورد اطمینان و معتبر نیست.

همچنین هاشم بن مرثد از او نقل کرده است: محمد بن حسن بن زباله دروغگو، خبیث، غیر معتبر و راهزن حدیث است.

بخاری در مورد او می گوید: از او روایات خلاف واقع نقل شده است.

احمد بن صالح گوید: از او صد هزار حدیث نوشتم، اما پس از مدتی متوجه شدم که روایاتش جعلی است و آنها را رها کردم.

أبوزرعه گوید: او حدیث و سخن بیهوده نقل کرده. أبوحاتم گوید: او سخن بیهوده گفته، حدیثش ضعیف و دارای روایات خلاف واقع است.

نسائی گوید: روایاتش مورد قبول نیست و نوشته نمی شود.

همان گونه که ذکر شد، تمامی علما او را غیر موثق، دزد حدیث و دروغگو خطاب می کرده اند.

بنا بر قوانین علم حدیث، تکلیف این روایت، کاملاً مشخص است و اعتباری ندارد تا مورد استناد قرار گیرد؛ اما بسیار عجیب است که

ص: ۹۰

چگونه قرطبی تأیید کلام خود را بر این روایت قرار داده و ادعا کرده که، این روایت «معتبر و حسن»، و طبق آن، مریم علیها السلام برتر از پاره تن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است.

کلام قرطبی چنین است:

...ثم بعدها فی الفضیله فاطمه ثم خدیجه ثم آسیه و كذلك رواه موسى بن عقبه عن کریب عن ابن عباس قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: (سیده نساء العالمین مریم ثم فاطمه ثم خدیجه ثم آسیه) وهذا حدیث حسن یرفع الإشکال وقد خص الله مریم بما لم تؤته أحدا من النساء...<sup>(۱)</sup>

«پس در فضیلت بعد از مریم، فاطمه، سپس خدیجه و پس از آن ها آسیه می باشد. و ابن عباس از رسول الله نقل کرده است که سرور زنان بهشتی، مریم، سپس فاطمه، سپس خدیجه و سپس آسیه می باشد. و این حدیث، حسن [و قابل اعتماد] است و اشکال برتری مریم بر زهرا را برطرف می نماید.»

و البته این سخن بسیار عجیب است، چراکه به دلیل ضعف در سند، علمایی مانند ابن حجر و عینی در شروح خود بر صحیح بخاری، در صحت این روایت تشکیک کرده و آن را غیرمعتبر دانسته اند.

و قد آورد ابن عبد البرّ من وجه آخر عن ابن عباس رفعه سیده

ص: ۹۱

---

۱- تفسیر القرطبی، ج ۴، ص ۸۳، ذیل آیه ۴۲ آل عمران.

نساء العالمين مريم ثم فاطمه ثم خديجه آسيه... قلت الحديث الثاني الدال على الترتيب ليس بثابت، و أصله عند أبي داود و الحاكم بغير صيغه ترتيب. (١)

«من (ابن حجر) مى گويم: حديث دوم (سيده نساء العالمين مريم ثم فاطمه ثم خديجه ثم آسيه) كه دلالت بر ترتيب بين افراد دارد، ثابت نشده است و اعتبار ندارد. و اين حديث را ابى داود و حاكم بدون كلمه (ثم) بيان کرده و آن را با (واو) آورده اند.»

... رواه النسائي وأبو يعلى وابن عساكر وروى الإمام أحمد من حديث أبي سعيد قال قال رسول الله فاطمه سيده نساء أهل الجنة إلا ما كان من مريم بنت عمران وهذا يدل على أن فاطمه ومريم أفضل هذه الأربع ثم يحتمل الاستثناء أن تكون مريم أفضل من فاطمه ويحتمل أن تكونا على السواء فى الفضيله لكن ورد حديث إن صح عين الاحتمال الأول وهو ما روى أن ابن عباس قال قال رسول الله سيده نساء أهل الجنة مريم بنت عمران ثم فاطمه ثم خديجه ثم آسيه امرأه فرعون رواه ابن عساكر فإن كان هذا اللفظ محفوظا بثم التى للترتيب فهو مبين لأحد الإحتمالين اللذين دل عليهما الاستثناء.... (٢)

«نسائي، ابويعلی، ابن عساكر و احمد بن حنبل، روايتى نقل

ص: ٩٢

- 
- ١- فتح البارى، ابن حجر، ج ٧، ص ١٣٦، باب تزويج النبى صلى الله عليه وسلم خديجه وفضلها.
  - ٢- عمدهاالقارى، بدر الدين عيني، ج ١٥، ص ٣٠٩، باب قول الله تعالى وضرب الله مثلا للذين آمنوا امرأه فرعون إلى قوله وكانت من القانتين. ج ١٥.

کرده اند که زهرا علیها السلام برترین زنان بهشتی است، اما مریم را استثنا نموده اند. و این روایت، دلالت دارد که مریم و زهرا علیها السلام برترین زنان عالم هستند. اما اینکه مریم بنت عمران برتر است یا این روایت، دلالت بر تساوی مقام این دو دارد، محل بحث می باشد. البته حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که اگر صحیح و معتبر باشد، دلالت بر برتری مریم بنت عمران می کند. و آن روایتی است که می فرماید: برترین زنان بهشتی، مریم بنت عمران، سپس فاطمه، سپس خدیجه و سپس آسیه می باشد.»

در این جملات، صاحب عمده القاری در مورد حدیث، این تعبیر را به کار می برد «ان صح»؛ اگر حدیث صحیح باشد» که اشاره به عدم اثبات اعتبار حدیث نزد او دارد.

همچنین می گوید: «فان كان هذا اللفظ محفوظاً بتم؛ اگر صحیح باشد که متن و لفظ روایت را با (ثم) بدانیم نه با (واو)».

آنچه که از کلام ابن حجر و عینی آمد، کاملاً در ردّ مطلب، صراحت دارد و از این روی، تلاش مناوی (1) و قرطبی برای معتبر و قابل

ص: ۹۳

---

۱- بل روی ابن عبد البر عن ابن عباس مرفوعاً: (سیده نساء العالمین مریم، ثم فاطمه، ثم خدیجه ثم آسیه). قال القرطبی: وهذا حدیث حسن یرفع الإشکال من أصله. قول الحافظ بن حجر: وقول الحافظ بن حجر: إنه غیر ثابت. إن أراد به نفی الصحه الاصطلاحیه فمسلم؛ فإنه حسن لا صحیح. (اتحاف السائل، مناوی، الباب الرابع فی خصائصها و مزایاها علی غیرها، ص ۸۶)

قبول نشان دادن روایت، کاری بیهوده است؛ چرا که ضعف سند بر کسی پوشیده نیست و همین مطلب، اعتبار روایت را از بین می برد.

همان طور که ابن حجر و عینی در کتب خود اشاره کرده اند و افرادی دیگر مانند ابن کثیر به آن پرداخته اند، ابو حاتم رازی نیز این حدیث را از ابن عباس آورده است که از نظر سند و متن با روایت طبرانی متفاوت می باشد؛ در حالی که هم سند روایت ابو حاتم رازی، دارای مشکل روایت طبرانی نیست و هم متن آن موافق عقل، نقل و قرآن می باشد و بنابر روایت ابو حاتم، مریم بنت عمران تنها یکی از چهار زن برگزیده است و بر زهرا علیها السلام برتری ندارد.

آنچه که ابن کثیر آورده، چنین است:

وقد روی هذا الحدیث أبو حاتم الرازی عن داود الجعفری عن عبدالعزیز بن محمد وهو الدراوردی عن ابراهیم بن عقبه عن کریب عن ابن عباس مرفوعاً فذکره بوو العطف لا بتم الترتیبیه فخالفه اسناداً ومتناً فالله أعلم (۱)

این روایت را ابو حاتم رازی از داود جعفری از دراوردی از ابراهیم بن عقبه از کریب از ابن عباس نقل نموده و در آن به جای «ثم» از «و او» عاطفه استفاده نموده است و از نظر متن و اسناد با روایت طبرانی مخالفت دارد.

مراد از داود الجعفری در سند ابو حاتم رازی، داود بن عبدالله بن محمد

ص: ۹۴

---

۱- البدایه والنهایه، ابن کثیر، ج ۲ ص ۶۱ (ابن عساکر نیز این حدیث را در کتاب تاریخ دمشق، ج ۷۰، ص ۱۰۷، ح ۱۳۸۰۵ ذکر نموده است).

می باشد، که در رجال اهل سنت، ثقه و مورد قبول معرفی شده است.

در مورد او چنین گفته اند:

قال الحسين بن إدريس الانصاری، عن عثمان بن أبي شيبة: حدثنا داود بن عبدالله، وهو ثقه.

وقال عبد الرحمان بن أبي حاتم: سئل أبي عن داود الجعفری وعبیس بن مرحوم

قال: داود أحب إلي، كان عنده، عن حاتم بن إسماعيل، مصنفات شريك نحو ثلاثين جزءا، وكان ثقه.

وذكره ابن حبان في كتاب "الثقات" (١).

حسین بن ادريس از عثمان بن أبي شيبة نقل می کند که داود بن عبدالله ثقه و معتبر است.

عبدالرحمن بن أبي حاتم گوید: از پدرم در مورد داود جعفری و عبیس پرسیدند، جواب داد: داود نزد من محبوب تر است و او را ثقه می دانم.

ابن حبان نیز او را از ثقات دانسته است.

در این جا دیگر نیازی به توجیه روایات معارض با یکدیگر دیده نمی شود؛ چرا که کلام ما واضح و ضعف استدلال قرطبی روشن است. اما اگر فرض را بر این بگذاریم که روایت «ثم فاطمه» اعتباری دارد، باید به دنبال حل تعارض و استفاده از وجه جمعی بین روایات بود و به گمان نگارنده، بهترین وجه جمع این است که بنابر قراین و تأیید

ص: ۹۵

اصول نحوی، «ثم» را به معنای «واو» بگیریم؛ همان گونه که علمای علم نحو یکی از معانی «ثم» را، «واو عاطفه» دانسته اند. (۱)

بنابراین باید بگوییم که معنای صحیح روایت، چنین است:

«برترین زنان بهشتی مریم و فاطمه و خدیجه و آسیه می باشند.»

طبق این برداشت، هیچ گونه برتری از دل متن بر نمی آید.

### ه. روایت «کمل من الرجال کثیر ولم یکمل من النساء الا مریم بنت عمران و آسیه امراه فرعون»

این، روایتی است که به استناد آن، نبی بودن مریم علیها السلام مطرح می شود و یکی از دلایل قائلین به نبوت مریم می باشد. در این کتاب، سعی نداریم که به صحت یا عدم صحت نبوت مریم علیها السلام پردازیم، (اگر چه دلایل اثبات کنندگان این امر، بسیار ضعیف است)؛ بلکه تنها پس از بیان نمودن سخن برخی از علمای عامه، به تبیین روایت خواهیم پرداخت.

ذکر معناه قوله کمل بضم المیم وفتحها وکسرهما ثلاث لغات والمراد من الکمال التناهی فی جمیع فضائل الرجال قوله ولم یکمل من النساء إلا آسیه امراه فرعون و مریم بنت عمران وقد استدل بعضهم بهذا علی أن آسیه و مریم نبتان لأن أكمل النوع

ص: ۹۶

---

۱- النحو الوافی، عباس حسن، ج ۳، ص ۵۵۷، باب عطف نسق، ثم.

«مراد از کمال، دارا بودن تمامی فضائلی است که مردان از آن بهره مند هستند، برخی بنا بر این حدیث \_ که بیان می کند از میان زنان، آسیه و مریم به کمال رسیده اند \_ این کمال را به معنای نبوت گرفته و مریم بنت عمران را نبی می دانند.»

ابن حجر چنین آورده است:

وقد نقل عن الأشعری أن فی النساء عده نبیات وحصرهن بن حزم فی ست حواء وساره وهاجر وأم موسی وآسیه و مریم وأسقط القرطبی ساره وهاجر ونقله فی التمهید عن أكثر الفقهاء وقال القرطبی الصحیح أن مریم نبیه وقال عیاض الجمهور علی خلافه ونقل النووی فی الأذکار أن الإمام نقل الإجماع علی أن مریم لیست نبیه وعن الحسن لیس فی النساء نبیه ولا- فی الجن وقال السبکی الکبیر لم یصح عندی فی هذه المسأله شیء ونقله السهلی فی آخر الروض عن أكثر الفقهاء. (۲)

«از اشعری نقل شده که در میان زنان، تعدادی نبی بوده اند و ابن حزم، این تعداد را ۶ نفر می داند؛ یعنی حواء، ساره، هاجر، ام موسی، آسیه و مریم. ولی قرطبی، ساره و هاجر را نبی نمی داند و می گوید: صحیح این است که مریم نبی بوده

ص: ۹۷

---

۱- عمد هالقاری، عینی، ج ۱۵، ص ۳۰۹، باب قول الله تعالی وضرب الله مثلا- للذین آمنوا امرأه فرعون إلى قوله وكانت من القانتین. لازم به ذکر است که یهودیان، اعتقاد به نبوت شش زن در میان انبیا دارند.

۲- فتح الباری، ابن حجر، ج ۶، ص ۴۷۱.



است. اما عیاض می گوید: اکثریت قریب به اتفاق علما مریم را نبی نمی دانند و نووی نیز می گوید: امام الحرمین، اجماعی را نقل کرده که مریم نبی نمی باشد و حسن بصری گوید: هیچ پیغمبری از میان زنان و اجنه نبوده است»

فخر رازی نیز در تفسیر خود، ذیل آیه ۴۲ آل عمران، نبی بودن مریم را رد می کند.

اما آنچه در مورد این روایت اهمیت دارد این است که متأسفانه بسیاری از علمای اهل سنت، حدیثی را که بخاری و دیگران تقطیع نموده و قسمتی از آن را حذف کرده اند، بدون بررسی در منابع دیگر، آورده و خود را به زحمت انداخته تا توجیهش کنند؛ در صورتی که همین حدیث با سند مشابه اما به طور کامل، در تفسیر طبری و منابع دیگر ذکر شده، و نام حضرت زهرا علیها السلام نیز در آن قید گردیده است:

حدثني المثنى قال، حدثنا آدم العسقلاني قال، حدثنا شعبه قال، حدثنا عمرو بن مره قال، سمعت مره الهمداني يحدث، عن أبي موسى الأشعري قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: كمل من الرجال كثير، ولم يكمل من النساء إلا مریم، وآسيه امرأه فرعون، وخديجه بنت خويلد، وفاطمه بنت محمد. (۱)

ص: ۹۸

---

۱-، تفسیر طبری، ج ۶، ص ۳۹۷، ذیل آیه ۴۲ آل عمران. همچنین ر.ک: تفسیر کشاف، زمخشری، ج ۷، ص ۹۹، ذیل آیه ۱۱ سوره تحریم؛ و می توان به تفاسیر الکشف والبیان، ابی السعود، بیضاوی و آلوسی نیز ذیل همان آیه و نیز الجامع الاصول من احادیث الرسول، ابن اثیر، باب مناقب وفضائل، ابو عبیده جراح، ح ۶۶۶۹ مراجعه کرد.

«از رسول خدا نقل شده است که فرمودند: بسیاری از مردان به نهایت کمال دست یافتند و از میان زنان، تنها مریم، خدیجه، آسیه و فاطمه به نهایت کمال رسیدند.»

ابن حجر نیز در فتح الباری چنین می گوید:

وقد ورد فی هذا الحدیث من الزیاده بعد قوله: و مریم ابنة عمران " و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد" (۱)

«در این حدیث، اضافه ای وجود دارد، و بعد از نام مریم بنت عمران، نام خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد آمده است.»

آنچه از روایت بر می آید این است که بنا بر این حدیث نیز نمی توان مریم علیها السلام را برتر از زهرا علیها السلام دانست. زیرا زمانی استدلال به روایت امکان پذیر بود، که نامی از زهرا علیها السلام برده نشده باشد، اما بنا بر متن کامل این حدیث، چنین نیست و توجه نمودن به اصل حدیث ما را از توجیهاات افرادی مانند ابن کثیر بی نیاز می کند. [ضمیمه ۱]

ص: ۹۹

---

۱- فتح الباری، ابن حجر، ج ۱۰، ص ۲۰۹، باب احادیث الانبیاء، ذیل آیه « ضرب الله مثلاً امراًه فرعون»، ش ۳۱۵۹.



بخش چهارم: نقد و بررسی ادله برتری عایشه

اشاره

ص: ۱۰۱

پیرامون فضیلت زهرا علیها السلام بر عایشه، مطالب متعددی نقل شده است؛ بنابراین، نیازی به بیان ادله نمی بینیم و تنها قسمتی از کلام آلوسی، ذیل آیه ۴۲ آل عمران را نقل می کنیم:

ومن هنا [یعنی از جهت بضعه بودن زهرا] يعلم أفضليتها على عائشه رضى الله تعالى عنها الذاهب إلى خلافها الكثير محتجين بقوله صلى الله عليه وآله وسلم: "خذوا ثلثي دينكم عن الحميراء" وقوله عليه الصلاة والسلام: "فضل عائشه على النساء كفضل الثريد على الطعام" وبأن عائشه يوم القيامة فى الجنة مع زوجها رسول الله و فاطمه يومئذ فيها مع زوجها على كرم الله تعالى وجهه، وفرق عظيم بين مقام النبى صلى الله عليه وآله وسلم و مقام على كرم الله تعالى وجهه.

وأنت تعلم ما فى هذا الاستدلال وأنه ليس بنص على أفضليه الحميراء على الزهراء، أما أولاً: فلأن/قصارى ما فى الحديث الأول على تقدير ثبوته إثبات أنها عالمه إلى حيث يؤخذ منها ثلثا الدين، وهذا لا يدل على نفي العلم المماثل لعلمها عن بضعته عليه الصلاة والسلام، ولعلمه أنها لا تبقى بعده زمناً معتداً به يمكن أخذ الدين منها فيه لم يقل فيها ذلك، ولو علم

لربما قال: خذوا كل دينكم عن الزهراء، وعدم هذا القول في حق من دل العقل والنقل على علمه لا يدل على مفضوليته وإلا لكانت عائشه أفضل من أبيها رضى الله تعالى عنه لأنه لم يرو عنه في الدين إلا قليل لقله لبثه وكثره غائلته بعد رسول الله على أن قوله عليه الصلاة والسلام: «إني تركت فيكم الثقلين كتاب الله تعالى وعترتي لا يفترقان حتى يردا على الحوض» يقوم مقام ذلك الخير وزياره كما لا يخفى كيف لا وفاطمه رضى الله تعالى عنها سيده تلك العتره؟. وأما ثانياً: فلأن الحديث الثانى معارض بما يدل على أفضليه غيرها رضى الله تعالى عنها عليها، فقد أخرج ابن جرير عن عمار بن سعد أنه قال: قال لى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «فضلت خديجه على نساء أمتى كما فضلت مريم على نساء العالمين» بل هذا الحديث أظهر فى الأفضليه وأكمل فى المدح عند من انجاب عن عين بصيرته عين التعصب والتعسف لأن ذلك الخير وإن كان ظاهراً فى الأفضليه لكنه قيل ولو على بعد: إن آل فى النساء فيه للعهد؛ والمراد بها الأزواج الطاهرات الموجودات حين الإخبار ولم يقل مثل ذلك فى هذا الحديث.

وأما ثالثاً: فلأن الدليل الثالث يستدعى أن يكون سائر زوجات النبى أفضل من سائر الأنبياء والمرسلين لأن مقامهم بلا ريب ليس كمقام صاحب المقام المحمود فلو كانت الشركه فى المنزل مستدعيه للأفضليه لزم ذلك قطعاً ولا قائل به وبعد هذا كله الذى يدور فى خلدى أن أفضل النساء فاطمه، ثم أمها، ثم عائشه بل لو قال قائل إن سائر بنات النبى صلى الله عليه وآله وسلم أفضل من عائشه

«زهره از جهت پاره تن بودن برای رسول خدا برتر از عایشه می باشد. اما برخی استدلال کرده اند که بنابر حدیث «دو سوم دینتان را از حمیرا (عایشه) بگیرید» و یا قول رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود: «برتری عایشه بر زنان، مانند برتری ثرید (نان خیس شده در آبگوش) بر غذای معمولی است»، عایشه از زهره علیها السلام برتر می باشد. و همچنین جهت برتری عایشه استدلال کرده اند که عایشه در روز قیامت همراه با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خواهد بود، در حالیکه زهره همراه با علی علیهما السلام است و تفاوتی بزرگ میان مقام علی و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می باشد. در حالی که می دانید، این استدلال ها برای برتری عایشه، منطقی نیست و دلیل محسوب نمی شود.

اما در جواب حدیث اول، باید گفت: به فرض اینکه چنین روایتی وجود داشته باشد، تنها ثابت می کند که عایشه دارای علم است و این مطلب، وجود علم برای فاطمه علیها السلام را نفی نمی کند. و اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نفرمود که علوم دینتان را از زهره علیها السلام بگیرید، برای این بود که می دانستند فاطمه پس از ایشان، مدت زیادی در دنیا نخواهد ماند و اگر ایشان در دنیا باقی می ماند چه بسا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرمودند که تمام دینتان را از زهره بگیرید.

همچنین این مطلب دلالت بر افضل بودن عایشه ندارد، و گرنه باید گفت مقام عایشه از ابوبکر نیز بالاتر است؛ چون

پیامبر این سخن را در مورد ابوبکر نفرموده است.

به علاوه، حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که فرمودند: «من در میان شما دو چیز گرانبها قرار دادم، قرآن و عترتم، و این دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا در کنار حوض کوثر، نزد من جمع شوند» می تواند در برابر حدیث گرفتن دین از عایشه قرار گرفته و کسب دین از زهرا علیها السلام را ثابت کند، چرا که فاطمه، برترین زن خاندان اهل بیت علیهم السلام می باشد.

اما حدیث دوم که می گوید: «فضل عایشه بر زنان، مانند فضل ثرید بر غذای معمولی است»، با احادیثی که خدیجه را برتر از تمامی زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حتی عایشه معرفی می کنند، تعارض دارد. بلکه احادیثی مانند «خدیجه بر تمامی زنان امت من برتری دارد» دلالتی آشکار در برتری خدیجه بر عایشه دارند.

اما دلیل سوم که گفته اند عایشه در قیامت با پیامبر است و زهرا با علی، قابل قبول نیست؛ چرا که طبق این سخن باید مقام عایشه و دیگر زنان پیامبر را از انبیا نیز بالاتر دانست، در حالی که این، سخن صحیحی نمی باشد و کسی به این مطلب قائل نشده است.

پس از این سخنان، چنین می گویم که برترین زنان، فاطمه سپس خدیجه و پس از آنها عایشه می باشد و بلکه حتی دیگر دختران پیامبر نیز بر عایشه برتر هستند.»

در ادامه به اختصار، چند نکته را که لازم به ذکر است، بیان می کنیم.

(۱) روایت «دو سوم دین خود را از حمیرا بگیرید» طبق نظر علمای اهل سنت، غیر معتبر و جعلی می باشد و هیچ گونه اعتباری ندارد.



سیوطی در این باره می گوید:

— حدیث خذوا شطر دینکم عن الحمیراء، لم أقف علیه وقال الحافظ عماد الدین بن کثیر فی " تخریج أحادیث مختصر ابن الحاجب " هو حدیث غریب جدا، بل هو حدیث منکر، سألت عنه شیخنا الحافظ أبا الحجاج المزی فلم يعرفه، قال: ولم أقف له علی سند إلى الآمن، وقال شیخنا الذهبی: هو من الأحادیث الواهیه التي لا- يعرف لها إسناد انتهى لكن فی " الفردوس " من حدیث أنس: خذوا ثلث دینکم من بیت عائشه ولم يذكر له إسناد(۱)

«به این حدیث دست نیافتم و ابن کثیر می گوید که این حدیث جعلی، است. همچنین مزی می گوید: سند این حدیث را نیافتم و ذهبی می گوید: این حدیث از جمله احادیث واهی و باطل می باشد که سندش معلوم نیست.»

یکی دیگر از علمای اهل سنت می گوید:

— حدیث خذوا شطر دینکم عن هذه الحمیراء

وفی روایه نصف دینکم، ولم يوجد ذلك إلا لابن الأثیر فی النهایه بدون سند وأنكره المزی والذهبی كما قال ابن کثیر والمراد بالحمیراء عائشه -رضی الله عنها-(۲)

«ابن اثیر این حدیث را بدون سند آورده و مزی و ذهبی آن

ص: ۱۰۶

---

۱- ۱. الدرر المنتشره فی الأحادیث المشتهره، السیوطی، حرف الخاء، ص ۷۰.

۲- اسنی المطالب فی احادیث مختلفه المراتب، محمد بن درویش بن محمد الحوت، حرف الخاء، ج ۱، ص ۱۳۱.

را باطل می دانند.»

قال الملا علی القاری کل حدیث فیه ذکر الحمیراء لم یصح نحو خذوا شطر دینکم عن هذه الحمیراء

«ملا علی قاری حنفی اعتقاد دارد که این حدیث و تمام احادیثی که در آنها کلمه (حمیرا) بوده و حدیث مربوط به عایشه باشد، صحیح نیستند مانند روایتی که می گوید: اکثر دینتان را از حمیرا بگیرید.»<sup>(۱)</sup>

در کتب دیگر مانند المنار المنیف<sup>(۲)</sup>، المقاصد الحسنه<sup>(۳)</sup>، و النافله فی الاحادیث الضعیفه والباطله<sup>(۴)</sup> نیز به جعلی بودن این روایت اشاره شده است.

۲) اما در مورد حدیث «کفضل الثرید علی الطعام» باید گفت که این مطلب به تصریح علمای بزرگی از اهل سنت، فضلی برای عایشه محسوب نمی شود و به فرض اینکه آن را فضلی محسوب کنیم، طبق گفته آلوسی و دیگر علمای اهل سنت، این روایت توان مقابله با روایات متعدد و صریح در برتری زهرا صلی الله علیه و آله و سلم را ندارد.

مناوی می گوید:

وإن فضل عائشه علی النساء کفضل الثرید علی سائر الطعام) لا

ص: ۱۰۷

---

۱- اسنی المطالب فی احادیث مختلفه المراتب، محمد بن درویش بن محمد الحوت، حرف الخاء، ج ۱، ص ۳۴۴.

۲- المنار المنیف، ابن قیم جوزی، ص ۶۱، فصل ۱۱.

۳- المقاصد الحسنه، سخاوی، ص ۱۰۸، حرف الخاء المعجمه.

۴- النافله فی الاحادیث الضعیفه و الباطله، ابواسحاق الجوینی، ص ۵۸، ش ۱۳۵.

تصریح فيه بأفضليه عائشه على غيرها (۱)

«این حدیث دلالتی در برتری عایشه بر دیگر زنان ندارد.»

عینی نیز چنین می گوید:

وان فضل عایشه رضی الله تعالی عنها على النساء) ای علی نساء هذه الامه فی الفضيلهو ليس فيه ما يدل على الافضليه لانه (صلی الله علیه وسلم) شبه فضلها بفضل الثريد على غيره من الطعام لما فيه من تيسير المونه و سهوله الاساعه و كان اجل اطعمتهم يومئذ و كل هذه الخصال لا تستلزم الافضليه لها من كل وجه (۲)

«این روایت دلالتی بر افضل بودن عایشه ندارد.»

ابن حبان نیز فاطمه علیها السلام را برتر از عایشه می داند و می گوید:

وقال ابن حبان الأفضليه التي يدل عليها هذا الحديث وغيره مقيدة بنساء النبي حتى لا يقع بينه وبين قوله أفضل نساء إهل الجنة خديجه وفاطمه تعارض ظاهراً (۳)

«برتری مطرح شده در این روایت برای عایشه، نسبت به زنان پیامبر است، نه خدیجه و فاطمه»

۳. همان گونه که در کلام آلوسی آمد، به فرض که در قیامت

ص: ۱۰۸

---

۱- التيسير بشرح جامع الصغير، مناوی، حرف الكاف، ج ۲، ص ۲۲۳.

۲- عمدہالقاری، عینی، باب قول الله تعالی و ضرب مثلا للذين امنوا امراه فرعون، ج ۱۵، ص ۳۰۹.

۳- عمدہالقاری، عینی، باب فضل عایشه، ج ۱۶ ص ۲۵۰. همچنین ر.ک: فتح الباری، ابن حجر، ج ۱۱، ص ۷۲، باب فضل عایشه،

ش ۳۴۸۵.

عایشه همراه با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد، باز هم این مطلب، دلالت بر برتری او نمی کند. این کلام در بیانات دیگر علمای اهل سنت نیز وجود دارد.

همانگونه که ابن ملقن، دیدگاه خود و ابن دحیه را چنین بیان می کند:

نعم هی لا- توجب التفضیل، قال ابن دحیه فی کتاب مرج البحرین ذکر بعض الجهله ان عایشه افضل من فاطمهو استدل علی ذلك انها عند علی فی الجنه و عایشه عند رسول الله قال و هذا لا یوجب التفضیل (۱)

«همراهی عایشه با پیامبر در بهشت دلالت بر فضیلت و برتری او ندارد. همچنان که ابن دحیه در کتاب مرج البحرین می گوید: برخی از جاهلان فکر کرده اند عایشه برتر از زهرا است و دلیلشان را همراهی عایشه با پیامبر قرار داده اند، در حالیکه این مطلب دلیل برتری عایشه نیست.»

همچنین باید اضافه نمود، با توجه به روایتی که در بخش اول کتاب آورديم و علمای اهل سنت تصریح به صحیح بودن آن نموده اند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و زهرا علیها السلام در بهشت، همراه و هم مکان هستند.

به هر حال، آنچه که از متون عامه به دست می آید این است که نه تنها مقام صدیقه طاهره علیها السلام پایین تر از مریم بنت عمران و عایشه نمی باشد، بلکه به تصریح و اشاره روایات، برترین بانوی دو عالم هستند.

ص: ۱۰۹

---

۱- غایه السؤل فی خصائص الرسول، ابن ملقن، ج ۱، ص ۲۳۲.

اگر چه برخی از علمای اهل سنت همچون قرطبی تلاش می کنند تا با استناد به آیه ۴۲ آل عمران و برخی روایات، جایگاه ویژه ای برای مریم بنت عمران در مقایسه با حضرت زهرا علیها السلام قائل شوند، اما آیه فوق و روایات مورد ادعا، یا داری ضعف سندی هستند و یا دلالت بر برتری مریم بنت عمران بر بانوان عصر خود دارد.

روایات مورد ادعا پیرامون برتری عایشه نیز یا جعلی اند و یا اینکه به تصریح علمای اهل سنت، هیچ دلالتی بر فضل عایشه و برتری او بر زهرا علیها السلام ندارند.

در حقیقت، با توجه به توجیه این روایات و ادله محکمی که دلالت بر عظمت مقام حضرت زهرا علیها السلام دارد، انتظار می رود که در پذیرش عصمت حضرت زهرا علیها السلام و تأملی نو در قصه فدک و خلافت علی علیه السلام راه انصاف را بیماییم. ان شاء الله

در پایان بجاست که هر محقق منصفی، این سؤالات را از خود پرسیده و در جواب آنها دقت نماید:

(۱) اگر زهرای مرضیه علیها السلام برتر از مریم علیها السلام است، آیا نباید خصوصیتی مانند عصمت و طهارت را- که علمای اهل سنت از ویژگی های مریم می دانند- برای ایشان نیز در نظر گرفت؟!

(۲) اگر طبق روایات صریحه، ایشان اولین داخل شونده در بهشت هستند و مقام برتری بر زنان عالمین دارند، پس چگونه است که با اعتقاد به ولایت غضب شده علی علیه السلام از دنیا می روند و تا لحظه شهادتشان، ولایت خلیفه اول را نمی پذیرند؟!

(۳) اگر بنا بر روایات صحیحه آزار ایشان آزار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد، و طبق بیان قرآن، آزار پیامبر آزار خداست و در دنیا و آخرت لعن ملائکک را برای آزار دهنده، به دنبال دارد، پس چگونه است که خلیفه اول و دوم چنان ایشان را آزار می دهند که پس از آن، برای عذر خواهی به درب خانه ایشان می روند؟! و بنا به نقل بخاری، ایشان بر خلیفه اول غضب نموده و با دلی آزرده از او نزد پدر بزرگوارشان رفتند؟ [ضمیمه ۱]

(۴) اگر بنا به نقل عایشه، پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کسی راستگو تر از حضرت زهرا علیها السلام نبود و بنا بر حدیث ثقلین، او همراه با قرآن می باشد، پس چگونه است که با وجود اینکه ایشان، فدک را حق خود

می دانست، اما خلفا در بازگرداندن آن مخالفت می کردند؟ آیا زهرا علیها السلام (نعوذ بالله) دروغ می گفت که فدک حق اوست؟!

۵) اگر ایشان از آزار فرزندان خود ناراحت شده و ناراحتی او آزار پیامبر و خداست، آیا از معاویه، یزید و امویان به خاطر آزار و سب همسر و فرزندان، رنجیده خاطر نمی شود؟!

۶) آیا ایشان از افرادی که در طول تاریخ به همسر عزیز و فرزندان صالحش، سب و دشنام دهند \_ مانند حریر بن عثمان ها \_ نزد خدای متعال، شکایت نخواهد کرد؟! در حالیکه همین افراد، توسط رجالیون اهل سنت، افرادی ثقه و مورد اطمینان شمرده می شوند؟!؟! [ضمیمه ۲]

ص: ۱۱۲

## ضمیمه های بخش اول

ضمیمه ۱. در مورد روایت «اول من یدخل الجنة...»، ذهبی اعتقاد دارد که این روایت، ضعیف می باشد؛ اما با بررسی در رجال اهل سنت نمی توان این سخن ذهبی را به راحتی پذیرفت. آن افرادی که مورد اتهام او قرار گرفته اند «اسماعیل بن عمرو، اجلح بن عبدالله و عاصم بن ضمیره» می باشند که علیرغم اینکه برخی رجالیون، آنها را ضعیف شمرده اند، اما بسیاری از علما نیز آن ها را ثقه و صدوق معرفی کرده اند.

- اسماعیل بن عمرو:

«ذکره البستی فی کتاب الثقات، وهو الذی ذکره ابن حبان فی "الثقات" و ذکره الذهبی فی الطبقة الثالثة والعشرين من تاریخ الاسلام،

ص: ۱۱۳



وَقَالَ: الكوفي نزيل أصبهان وشيخها ومسندها سمع مسعر بن كدام و.. وكان ثقة صاحب حديث وذكر مثل هذا في الميزان. فلو كانت لمسلم روايه عنه لذكرها مثل هؤلاء الاعلام، والله أعلم.

« بستی این فرد را معتبر و ثقة دانسته و ابن حبان نیز نام او را در کتاب ثقات خود آورده است. ذهبی نیز در مورد او می گوید: او ثقة و صاحب حدیث می باشد.» (۱)

- اجلح بن عبدالله:

وَقَالَ عَبَّاسُ الدَّوْرِيِّ، عَنْ يَحْيَى بْنِ مَعِينٍ: ثَقَّةٌ. وَقَالَ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْعَجَلِيُّ: كُوفِيٌّ ثَقَّةٌ. وَقَالَ أَبُو أَحْمَدَ بْنُ عَدِيٍّ: لَهُ أَحَادِيثٌ صَالِحَةٌ، يَرُوي عَنْهُ الكُوفِيُّونَ وَغَيْرُهُمْ، وَلَمْ أَجِدْ لَهُ حَدِيثًا مُنْكَرًا مُجَاوِزًا لِلْحَدِّ، لَا إِسْنَادًا وَلَا مَتْنًا.

إلا أنه يعد في شيعه الكوفه، وهو عندي مستقيم الحديث صدوق.

قال عمرو بن علي: مستقيم الحديث

ص: ۱۱۴

---

۱- تهذيب الكمال، مزی، ج ۳، ص ۱۶۱.

«یحیی بن معین او را ثقه می داند. احمد بن عبدالله عجللی نیز او را ثقه می داند. احمد بن عدی گوید: روایات صحیحی دارد و روایت دروغین از او ندیدم. عمرو بن علی نیز گوید: راستگو و دارای روایت صحیح است.»

- عاصم بن ضمیره

وَقَالَ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْعَجَلِيُّ، وَعَلِيُّ بْنُ الْمَدِينِيِّ: ثَقَّةٌ. وَقَالَ النَّسَائِيُّ: لَيْسَ بِهِ بَأْسٌ. وَقَالَ ابْنُ طَهْمَانَ، عَنْ يَحْيَى: ثَقَّةٌ شَيْعِيٌّ. وَقَالَ التِّرْمِذِيُّ: ثَقَّةٌ عِنْدَ أَهْلِ الْحَدِيثِ وَذَكَرَهُ ابْنُ شَاهِينَ فِي "الثَّقَاتِ"، وَقَالَ الْبَزَّازُ: هُوَ صَالِحُ الْحَدِيثِ. وَقَالَ ابْنُ حَجْرٍ فِي "التَّقْرِيبِ": صَدُوقٌ. (۲)

«احمد بن عبدالله و علی بن مدینی او را ثقه می دانند. نسائی گوید: مشکلی ندارند. یحیی بن معین گوید: ثقه است. ترمذی نیز او را معتبر می داند و ابن شاهین و بزار و ابن حجر نیز او را ثقه و راستگو شمرده اند.»

ص: ۱۱۵

---

۱- تهذیب الکمال، مزی، ج ۲، ص ۲۷۵، ذیل همین نام

۲- تهذیب الکمال، ج ۴، ص ۱۰.

با توجه به این مطالب، نمی توان به تضعیف امثال ذهبی توجه نمود، مخصوصاً اینکه یکی از دلایل ایشان این است که این روایت به دل نمی نشیند؟! شخصیت حاکم نیشابوری نیز در حدیث و رجال، جایگاهی بسیار والا در میان علمای اهل سنت دارد و به راحتی نمی توان از بررسی های رجالی او گذر نمود و در مورد او چنین می گویند:

«محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم. الإمام، الحافظ، الناقد، العلامة، شيخ المحدثين، أبو عبد الله بن البيهقي، الضبي، النيسابوري، الشافعي، صاحب التصانيف.

أدرك الأسانيد العاليه بخراسان، والعراق، وماوراء النهر، وسمع من نحو ألفي شيخ. صنّف وخرّج ورجّح وصحّح وعدّل، وكان من بحور العلم. كان إمام عصره في الحديث، العارف به حق معرفته، صالحاً ثقة. قال الحاكم: شربت ماء زمزم وسألت الله أن يرزقني حسن التصنيف. قال ابن عساكر: وقع من

تصانیفه المسموعه فی أیدی الناس ما یبلغ ألفاً وخمسائه جزء. وكان سفیراً لملوک بنی بویه وقد أحسن السفاره بینهم و بین السامانین. ومن تصانیفه: المستدرک علی الصحیحین؛ تاریخ نیشابور؛ علوم الحدیث؛ المدخل؛ والإکیل وغیرها. (۱)

زرکلی نیز در الاعلام چین می گوید: من اکابر حفاظ الحدیث والمصنفین فیہ. و هو من أعلم الناس بصحیح الحدیث وتمیزه عن سقیمه

«حاکم نیشابوری از بزرگان حافظ حدیث و مؤلفین روایت بوده و او از داناترین مردم به تشخیص روایات صحیح از غیر صحیح می باشد. (۲)

ص: ۱۱۷

---

۱- ن.ک: تذکره الحفاظ، ذهبی، ج ۳، ص ۱۶۲؛ سیر اعلام النبلاء، ذهبی، ج ۱۷، ص ۱۶۳.

۲- الاعلام، زرکلی، ج ۶، ص ۲۲۷.

ضمیمه ۱. کتاب های زیادی توسط علمای اهل سنت و شیعه در این باره نوشته شده است که از جمله آن ها الغدیر علامه امینی، عبقات الانوار به همراه اضافات آیت الله میلانی، سلسله کتب آیت الله میلانی، با عنوان سلسله پژوهش های اعتقادی است. همچنین خوانندگان عزیز را به مشاهده سایت اینترنتی [www.al-haqaeq.Org](http://www.al-haqaeq.Org) و [www.valiasr-aj.com](http://www.valiasr-aj.com) دعوت می نمایم.

ضمیمه ۲. در بحث حمله به خانه زهرا علیها السلام می توان به این کتب مراجعه نمود:

یاس در آتش (آیت الله سبحانی، با ترجمه سید ابو الحسن عمرانی)، مظلومیت برترین بانو (آیت الله سید علی میلانی) و... همچنین به سایت های قبلی نیز می توان مراجعه نمود.

\*\*\* از نظر شیعیان، مقام حضرت علی علیه السلام از زهرا علیها السلام بالاتر است؛ چرا که ایشان امام، و فاطمه مأموم می باشد. و اگر زهرا علیها السلام پاره تن نبی است، علی علیه السلام به تعبیر قرآن در آیه مباحله، نفس و تمام جان پیامبر

می باشد.

ص: ۱۱۹

ضمیمه ۱. در باره آن روایت، ابن کثیر و طحاوی چنین گفته اند:

- فإنه حدیث صحیح كما ترى اتفق الشیخان علی اخراجه ولفظه يقتضی حصر الکمال فی النساء فی مریم و آسیه ولعل المراد بذلك فی زمانهما فإن کلا منهما کفلت نبیا فی حال صغره فأسیه کفلت موسی الکلیم و مریم کفلت ولدها عبد الله ورسوله فلا ینفی کمال غیرهما فی هذه الأمه کخدیجه و فاطمه فخدیجه خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قبل البعثه خمسہ عشر سنه وبعدها ازید من عشر سنین و كانت له

ص: ۱۲۰

وزير صدق بنفسها ومالها رضى الله عنها وأرضاها وأما فاطمه بنت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فإنها خصت بمزيد فضيله على اخواتها لأنها أصيبت برسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وبقية اخواتها متن في حيات النبي (١).

ما قد حدثنا إبراهيم بن مرزوق ثنا وهب بن جرير ثنا قبيصة عن شعبه عن عمرو بن مره عن مره يعنى ابن شراحيل عن أبى موسى قال قال رسول الله عليه السلام كمل من الرجال كثير ولم يكمل من النساء إلا مريم بنت عمران وآسيه امرأه فرعون وإن فضل عائشه على النساء كفضل الثريد على سائر الطعام قيل له قد يحتمل أن يكون ما فى هذا الحديث كان قبل بلوغ فاطمه واستحقاقها الرتبة التى ذكرها رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم بها فعاد بحمد الله جميع ما روينا فى هذا الباب إلى أن لا تضاد فيه ولا إيجاب كشف معانيه عما

ص: ١٢١

---

١- البدائيه و النهايه، ابن كثير، ج ٢، ص ٦١٩.



ذكر مما يوجهه وأن كل فضل ذكر لغير فاطمه مما قد يحتمل أن تكون فضلت به فاطمه محتملا لأن يكون وهي يومئذ صغيره ثم بلغت بعد ذلك فصارت بالمكان الذي جعلها الله تعالى به وذكرها به واختصها بما اختصها به فيه على لسان رسوله صلى الله عليه وآله وسلم والله سبحانه وتعالى نسأله التوفيق. (١)

ص: ١٢٢

---

١- مشكل الآثار، طحاوى، ج ١، ص ١٥٤، ش ١٣٠.

ضمیمه ۱. در باره غضب فدک و آزردهی حضرت زهرا علیها السلام از خلیفه اول، در کتب اهل سنت چنین آمده است:

\* حدثنا یحیی بن بکیر حدثنا اللیث عن عقیل عن ابن شهاب عن عروه عن عائشه

أن فاطمه علیها السلام بنت النبی صلی الله علیه و آله و سلم أرسلت إلى أبی بکر تسأله میراثها من رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مما أفاء الله علیه بالمدينه وفدک وما بقى من خمس خيبر فقال أبو بکر إن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال (لا نورث ما ترکنا صدقه انما يأکل آل محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - فی هذا المال).

وإني والله لا أغير شيئاً من صدقه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم عن حالها التي كانت عليها في عهد رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ولا عملن فيها بما عمل به رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم. فأبى أبو بكر أن يدفع إلى فاطمه منها شيئاً فوجدت فاطمه على أبي بكر في ذلك فهجرته فلم تكلمه حتى توفيت وعاشت بعد النبي صلى الله عليه وآله وسلم ستة أشهر فلما توفيت دفنها زوجها علي ليلاً ولم يؤذن بها أباً بكر وصلى عليها... (١)

«عائشه گوید: فاطمه عليها السلام طلب میراث خود (فدك) را از ابوبكر نموده ابوبكر بهانه تراشید و آن را به فاطمه عليها السلام نداد. پس از این ماجرا، فاطمه عليها السلام بر ابوبكر غضب نموده و تا زمان وفاتش با ابوبكر سخن نگفت.»

ضمیمه ۲. در باره حریر بن عثمان در کتب رجال اهل سنت چنین آمده است: حدّثنا أحمد بن أبي يحيى قال:

ص: ۱۲۴

---

۱- صحیح بخاری، ج ۳، ص ۸۰، ش ۴۲۴۰؛ کتاب المغازی، باب غزوه خیبر؛ صحیح مسلم، ص ۶۹۸، کتاب الجهاد، باب قول النبی صلی الله علیه و آله و سلم «لانورث ماترکن فهو صدقه»

سمعت أحمد بن حنبل يقول: حديث حريز نحو من ثلاث مئة، وهو صحيح الحديث، إلا أنه يحمل على علي.

وقال أحمد بن عبد الله العجلي: شامي، ثقته، وكان يحمل على علي.

وقال عمرو بن علي: كان ينتقص عليا وينال منه وقال في موضع آخر: ثبت شديد التحامل على علي

وقال الخلال أيضا: حدثنا عمران بن أبان، قال: سمعت حريز بن عثمان يقول: لا أحبه، قتل آبائي يعني عليا.

وقال أحمد بن سعيد الدارمي، عن أحمد بن سليمان المروزي: حدثنا إسماعيل بن عياش، قال: عادت حريز بن عثمان من مصر إلى مكة فجعل يسب عليا ويلعنه.

وقال محمد بن عمرو العقيلي: حدثنا محمد بن أيوب بن يحيى بن الضريس، قال: حدثنا يحيى بن المغيرة قال: ذكر جرير أن حريزا كان يشتم عليا على

«احمد بن حنبل گوید: حریر روایات درستی دارد؛ اما او بر علی علیه السلام سخن ناروا می گفت. احمد بن عبدالله عجللی نیز می گوید: معتبر است در حالیکه بر علی علیه السلام سخن ناروا می گفت. عمرو بن علی گوید: او بر علی علیه السلام نقص وارد کرده و او را مذمت می کرد. در جای دیگر گوید: نسبت به علی علیه السلام بسیار متعصب بود. عمران بن ابان گوید: شنیدم که حریر بن عثمان می گوید: علی علیه السلام را دوست ندارم، چون او اجداد مرا کشته است.

همچنین احمد بن سعید دارمی و محمد بن عمرو عقیلی گویند: حریر بن عثمان بر علی علیه السلام دشنام می داد و ایشان را بر روی منبر لعن می کردند.

ص: ۱۲۶

۱. قرآن مجید

۲. ابوالفضل العراقي، شرح التبصره و التذکره، المحقق یاسین الفحل، بی تا، بی جا

۳. احمد بن شعیب نسائی، سنن الکبری، تحقیق عبدالغفار سلیمان البنداری، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۱ق.

۴. احمد بن عبدالله ابی نعیم اصبهانی، معرفه الصحابه، تحقیق عادل بن یوسف العزازی، دار الوطن بالریاض، ۱۴۱۹ق.

۵. أحمد بن علی ابن حجر العسقلانی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، تحقیق محب الدین الخطیب، دار المعرفه بیروت، ۱۳۷۹ق.

۶. احمد بن عمرو بن الضحاک ابوبکر شیبانی (ابن ابی عاصم)، الآحاد و المثانی، دار الرايه، ریاض، ۱۴۱۱ق.

۷. احمد بن محمد (ثعلبی)، تفسیر الکشف والبیان، دار احیا التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق.

۸. احمد بن محمد ابن عجیبه، تفسیر البحر المدید، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۲ م.

٩. احمد زيني دحلان، السيره النبويه والاثار المحمديه، در حاشيه كتاب السيره الحلبيه، على بن برهان الدين الحلبي الشافعي، مطبعه مصطفى محمد صاحب مكتبه التجار يهالكبرى بمصر، بي تا
١٠. احمد بن حسين البيهقي، السنن الكبرى، بر گرفته از نرم افزار مكتبه الشامله
١١. احمد بن محمد الطحاوي، مشكل الآثار، تحقيق شعيب الارنؤوط، مؤسسه الرساله، بيروت، ١٤١٥
١٢. اسعد حومد، تفسير ايسر التفاسير، مصحح محمد متولى الشعراوى، دمشق، ١٩٩٠م
١٣. اسماعيل بن عمرو (ابن كثير دمشقى)، تفسير القرآن، دار المكتبه الهلالى، ٢٠٠٧ م.
١٤. اسماعيل بن عمرو (ابن كثير)، البدايه و النهايه، مكتبه المعارف، بيروت، بي تا
١٥. بدر الدين العينى، عمدہ القارى شرح صحيح البخارى، دار احيا التراث العربى، بيروت، بي تا
١٦. الجوينى الخراسانى، ابراهيم بن محمد، فرائد السمطين، مؤسسه محمودى، بيروت لبنان، ١٣٩٨ ق.
١٧. حسن بن محمد بن حسين نيسابورى، تفسير النيسابورى، شركت مكتبه ومطبعه مصطفى البابى الحلبي، ١٣٨١ ق.
١٨. حسن عباس حسن، النحو الوافى، انتشارات ناصر خسرو، چاپ ششم، ١٤٢٢ ق.
١٩. سليمان بن احمد طبرانى، معجم الاوسط، تحقيق طارق بن عوض، عبدالمحسن بن ابراهيم، دارالحرمين، قاهره، ١٤١٥ ق.
٢٠. سليمان بن احمد طبرانى، معجم الكبير، تحقيق حمدى بن عبدالمجيد السلفى، موصل، چاپ دوم، ١٤٠٤ ق.
٢١. سليمان بن أشعث، سنن أبى داود، دار ابن حزم، ١٤١٨ ق.

٢٢. عبدالحق بن غالب بن عطيه، تفسير المحرر الوجيز، دار الكتب العلميه، لبنان، ١٤١٣ ق.
٢٣. عبدالرؤوف بن على المناوى، اتحاف السائل بمالفاطمه من المناقب، تحقيق عبداللطيف عاشور، مكتبه القران، قاهره، بى تا
٢٤. عبدالرؤوف بن على المناوى، التيسير بشرح جامع الصغير، مكتبه الامام الشافعى، الرياض، چاپ سوم، ١٤٠٨ ق.
٢٥. عبدالرؤوف بن على مناوى، فيض القدير، المكتبه التجاربه الكبرى، مصر، ١٣٥٦ ش.
٢٦. عبدالرحمن بن أبى بكر السيوطى، تفسير الدر المنثور، دار الفكر، بيروت، ١٩٩٣ م
٢٧. عبدالرحمن بن أبى بكر سيوطى، الدرر المنثره فى الاحاديث المشتهره، تحقيق محمد الرنؤوط، محمد بدر الدين القهوجى، مكتبه دارالعروبه كويت، ١٤٠٨ ق.
٢٨. عبدالرحمن، ابن ابى حاتم، تفسير القرآن، تحقيق اسعد محمد طيب، المكتبه العصريه، صيدا
٢٩. عبدالرحمن بن عبدالله السهلى، الروض الأنف فى شرح السيره النبويه لابن هشام، داراحياء التراث العربى، بيروت، ١٤٢١ ق.
٣٠. عبدالرحيم بن عبدالكريم القشيرى، تفسير القشيرى، دار الكتب العلميه، بيروت، بى تا
٣١. عبدالله بن عباس، تنوير المقباس من تفسير ابن عباس، دار الكتب العلميه، لبنان، بى تا
٣٢. عبدالله بن عمر بيضاوى، تفسير انوار التنزيل و اسرار التاويل، دار الفكر، بيروت، بى تا
٣٣. عبدالله بن محمد، ابن ابى شيبه، مصنف فى الاحاديث والآثار، تحقيق كمال يوسف الحوت، مكتبه الرشد، رياض، ١٤٠٩ ق.
٣٤. عبدالله بن يوسف ابن هشام، مغنى اللبيب عن كتب الاعاريب.



٣٥. على بن ابي بكر الهيثمي، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دار الفكر بيروت، ١٤١٢ ق.

٣٦. على بن احمد الواحدى، الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز، تحقيق صفوان عدنان، دار القلم، دار الشاميه، دمشق، بيروت، ١٤١٥ ق.

٣٧. على بن حسن بن هبه الله (ابن عساكر)، تاريخ مدينه دمشق، دار الفكر، بيروت لبنان، ١٤١٩ ق.

٣٨. على بن سلطان محمد القارى، مرقاه المفاتيح شرح مشكاه المصاييح، دار الكتب العلميه، لبنان، ١٤٢٢ ق.

٣٩. على بن محمد بن حبيب (ماوردى)، تفسير النكت والعيون، دار الكتب العلميه مؤسسه الثقافيه، بى تا، بى جا

٤٠. عمر بن احمد ابن شاهين، جزء فيه فضائل فاطمه، تحقيق ابي اسحاق الحوينى، المكتبه التربيه الاسلاميه لاحياء التراث اسلامى، ١٤١١ ق.

٤١. عمر بن على الانصارى الشهير بابن ملقن، غايه السؤل فى خصائص الرسول، دارالبشائر الاسلاميه، بيروت، ١٤١٤ ق.

٤٢. مبارك بن محمد الجزرى (ابن اثير)، جامع الاصول من احاديث الرسول، حققه محمد حامد، دار احيا التراث العربى، بيروت، لبنان.

٤٣. محمد بن ابراهيم بن حسان، سلسله مصاييح الهدى، [www.islamport.com](http://www.islamport.com).

٤٤. محمد بن ابي بكر الحنبلى (ابن القيم الجوزى)، المنار المنيف فى الصحيح و الضعيف، مكتب المطبوعات الإسلاميه، حلب، ١٤٠٣ ق.

٤٥. محمد بن احمد الشريينى، تفسير السراج المنير، دار احياء التراث العربى، ١٤٢٥ ق.

٤٦. محمد بن احمد بن ابي بكر قرطبى، تفسير الجامع لاحكام القرآن، دار الكاتب العربى للطباعه و النشر، چاپ سوم، ١٣٨٧ ش.

٤٧. محمد بن احمد بن عثمان ذهبي، سير اعلام النبلا، تحقيق الكتاب شعيب الارنوط، مؤسسه الرساله، بيروت لبنان، چاپ يازدهم، ١٤٢٢ ق.

٤٨. محمد بن الحسين الآجری، الشريعه، مؤسسه القرطبه، ١٤١٧ ق.

٤٩. محمد بن جرير طبري، تفسير الطبري، حقه وعلقا حواشيه محمود حمد شاكر، دار المعارف بمصر، بي تا

٥٠. محمد بن درويش بن حوت، اسنى المطالب فى احاديث مختلفه المراتب، تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٤١٨ ق.

٥١. محمد بن طلحه الشافعي، مطالب السؤل فى مناقب آل الرسول، مؤسسه البلاغ، بيروت، لبنان، ١٤١٩ ق.

٥٢. محمد بن عبدالرحمن المباركفوري، تحفه الاحوذى بشرح جامع الترمذى، دار الكتب العلميه، بيروت، بي تا

٥٣. محمد بن عبدالرحمن السخاوى، المقاصد الحسنه فى بيان كثير من الأحاديث المشتهره على الألسنه، دارالكتاب العربى، بيروت، ١٤٠٥ ق.

٥٤. محمد بن عبدالله بن حكم (حاكم النيسابورى)، المستدرک على الصحيحين مع تعليق ذهبي، دار الكتب العلميه، بيروت، ١٤١١ ق.

٥٥. محمد بن على الشوكانى، فتح القدير، دارالفكر، بيروت، بي تا

٥٦. محمد بن عمرو بن احمد زمخشري، تفسير الكشاف، مكتبه الاستقامه بالقاهره، ١٩٤٦ م.

٥٧. محمد بن عمرو بن حسين (فخر رازى)، تفسير الكبير، دار الكتب العلميه، بيروت، ١٤٢١

٥٨. محمد بن عيسى الترمذى، الجامع الصحيح سنن الترمذى، الاحاديث المزيه باحكام الألبانى عليها، تحقيق احمد محمد شاكر، دار احيا التراث العربى، بيروت، بي تا.

٥٩. محمد بن يوسف الصالحى الشامى، سبل الهدى و الرشاد فى سيرهخير العباد، حققه عبدالمعز عبدالحميد الجزائر، وزاره الاوقاف جمهوريه مصر، لجنه احيا التراث الاسلامى، القايره، ١٤٢٨ق.

٦٠. محمد سيد طنطاوى، تفسير الوسيط، دار نهضة مصر للطباعه و النشر، قاهره، ١٩٩٧ م.

٦١. محمد بن احمد بن عثمان (ذهبى)، من تكلم فيه و هو موثق أو صالح الحديث، تحقيق عبدالله بن ضيف، مكتبه المدينه، ١٤٢٦ق

٦٢. محمد بن احمد بن محمد المحلى، تفسير الجلالين، دار الحديث، القايره، بى تا

٦٣. محمد بن اسماعيل البخارى، صحيح البخارى، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٤٢٠ق.

٦٤. محمد بن حبان، صحيح ابن حبان، برگرفته از نرم افزار مكتبه الشامله

٦٥. محمود بن عبدالله آلوسى، تفسير روح المعانى، دار احيا التراث العربى، بيروت ١٤١١ ق.

٦٦. مسلم بن حجاج النيسابورى، صحيح مسلم، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٤٢١ ق.

٦٧. مقاتل بن سليمان، تفسير مقاتل، دار الكتب العلميه، بيروت ١٤٢٤ق.

٦٨. نصر بن محمد سمرقندى، تفسير بحر العلوم، دار الفكر، بيروت، بى تا

٦٩. يوسف المزى، تهذيب الكمال، حققه بسار عواد معروف، مؤسسه الرساله، بيروت لبنان، ١٤١٨ ق.

٧٠. يوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستيعاب فى معرفه الصحابه، تحقيق على محمد البجاوى، دار الجيل، بيروت، چاپ اول، ١٤١٢ ق.

٧١. يوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبر القرطبى، التمهيد لما فى الموطأ من المعانى و الاسانيد، محقق مصطفى بن احمد العلوى و محمد عبدالكبير الكبرى، مؤسسه القرطبه.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

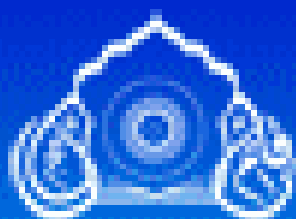
ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹